

دیدگاه‌های جمعی از رؤسای شورای عالی و نماینده‌ی وزارت امور اقتصادی و دارایی
به مناسبت بیستمین سالگرد تأسیس جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران

دستاوردها و موانع



عباس هشی



هوشنگ نادریان



رحمت اله صادقیان



مصطفی جهانبانی



سعید جمشیدی فرد



سید رحمت‌اله اکرمی

- بهبود و تقویت مستمر کیفیت خدمات حرفه‌ای،
- ارتقای نظارت بر عملکرد اعضا و کنترل کیفیت خدمات حرفه‌ای،
- ارتقای اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی،
- تقویت همکاری و تعامل با نهادها و مراجع ذی‌ربط،
- حمایت از حقوق حرفه‌ای و منافع مادی و معنوی اعضا،
- ارتباط مستمر با مؤسسات و تشکل‌های حرفه‌ای داخلی و بین‌المللی، و
- تقویت ساختارها و نظام‌های داخلی جامعه.

جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران، در راستای دستیابی به اهداف ده‌گانه‌ی مزبور، برنامه‌های عملیاتی مربوط را در دوره‌های سه ساله مأموریت شوراهای انتخابی و هیأت مدیره‌های منتخب، تدوین و اجرا کرده و در این مسیر با چالش‌های متعددی مواجه شده است. واکاوی دستاوردها و چالش‌های شورای اول تا هفتم طی ۲۰ سال فعالیت جامعه، می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری شوراهای آتی و چراغ راه تدوین برنامه‌های عملیاتی اثربخش در راستای دستیابی به اهداف ده‌گانه‌ی یاد شده و نیز حفظ منافع عمومی و پاسخگویی به انتظارات اعضا و سایر ذی‌نفعان و همچنین زمینه‌ی مطالبات جامعه از مراجع بالادستی راه فراهم سازد.

جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران، طی ۲۰ سال فعالیت خود، علی‌رغم محدودیت‌های مقرراتی، ساختاری و ترکیب شوراهای عالی انتخابی و هیأت مدیره‌های دوره‌های مختلف، با طیفی از انتظارات خواسته‌های اعضا و ذی‌نفعان گزارش‌های حرفه‌ای حسابداران رسمی و نیز مراجع بالادستی جامعه، مواجه بوده است و این نهاد ۲۰ ساله را در اجرای چشم‌انداز، مأموریت‌ها و اهداف راهبردی ۱۰ گانه بالا، با چالش‌های متعددی مواجه ساخته است.

جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران به‌عنوان نهادی با شخصیت حقوقی مستقل، غیر دولتی و غیر انتفاعی فعالیت عملی خود را با تشکیل نخستین مجمع عمومی جامعه و انتخاب اولین اعضای شورای عالی در تاریخ دوم شهریورماه ۱۳۸۰ آغاز کرد. براساس ماده واحده‌ی قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی‌صلاح به‌عنوان حسابدار رسمی، مأموریت اصلی جامعه، تنظیم امور و اعتلای حرفه حسابداری و حسابرسی و نظارت حرفه‌ای بر کار حسابداران رسمی تعیین شده است. از آن تاریخ تاکنون ۲۰ سال سپری شده و آمار و اطلاعات زیر، ضمن ارائه‌ی تصویری از رشد جامعه، مسئولیت خطیر جامعه را نیز در راستای اجرای مطلوب مأموریت یاد شده، در یک نگاه به‌خوبی نشان می‌دهد:

۱۳۸۰	۱۴۰۰	
۹۱۸	۲۵۹۰	تعداد حسابدار رسمی (نفر)
۲۶	۲۵۷	تعداد مؤسسات حسابرسی عضو جامعه
۵۰۰	۹۰۳۰	تعداد کارکنان حرفه‌ای شاغل (نفر)
-	۱۲۰۰۰	درآمد مؤسسات حسابرسی (میلیارد ریال)

بر اساس سند راهبردی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران، چشم‌انداز جامعه، دستیابی جامعه‌ی حسابداران حرفه‌ای در سطح کشورهای پیشرفته، مأموریت آن؛ تنظیم امور و اعتلای حرفه حسابداری و حسابرسی در کشور و نظارت حرفه‌ای بر کار حسابداران رسمی و هدف‌های ده‌گانه‌ی راهبردی آن به شرح زیر تبیین شده است:

- توسعه‌ی فرهنگ حسابداری، حساب‌خواهی و خدمات اعتباربخشی،
- سازمان‌دهی و گسترش تشکل حسابداران رسمی،
- گسترش بازار تنوع خدمات حرفه‌ای،

رفع موانع و محدودیت‌های یاد شده، در گرو پای‌بندی حسابداران رسمی به سوگند خود و فرهنگ و آیین رفتار حرفه‌ای حسابداران رسمی و نیز همبستگی حرفه‌ای آنان، همچنین ضرورت تعامل با نهادهای بالادستی در راستای اصلاح مقررات محدودکننده اختیارات جامعه و نیز تداوم و توسعه فعالیت‌های جامعه، است.

همراه با تبریک بیستمین سالگرد فعالیت جامعه به کلیه‌ی حسابداران رسمی و کارکنان حرفه‌ای شاغل در حرفه، اعضای شوراهای عالی فعلی و قبلی و هیأت مدیره دوره‌های مختلف جامعه، در میزگرد حاضر از رؤسای شوراهای عالی هفت‌گانه‌ی جامعه از بدو تأسیس تا امروز، خواسته شد از دستاوردها و چالش‌های جامعه و راه کارهای گذار از چالش‌ها و تحقق اهداف راهبردی جامعه بگویند. علاوه بر آن، دیدگاه‌های نماینده‌ی محترم وزارت امور اقتصادی و دارایی در شورای عالی نیز در این زمینه‌ها گرفته شد تا تصویر جامعی از انتظارات نهادهای فرادستی از جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران به دست آید. میزگرد حاضر اساساً شامل پاسخ‌های دریافتی همراه با پرسش‌های مربوط است. همچنین دو گفتار و نوشتار مستقل از آقایان مهدی کرباسیان و سیدمحمد علوی در ادامه‌ی میزگرد درج شده است.

قطعاً این اقدام می‌تواند چارچوب فعالیت حسابرس مستقل را تعیین کند و به ذی‌نفعان در خصوص دامنه‌ی فعالیت‌های آن‌ها اطلاع‌رسانی کند. لازم به ذکر است، چالش‌های زیادی هم وجود دارد. زمانی که مفسده‌های رخ می‌دهد ناخودآگاه انگشت اتهام به سمت حسابرس مستقل نیز گرفته خواهد شد. هرچقدر این مفسده گسترده‌تر باشد، قاعدتاً توجیه ذی‌نفعان در زمینه‌ی عقلایی‌سازی انتظارات، اهمیت بیش‌تری خواهد یافت. باز هم به‌عنوان نمونه عرض می‌کنم که اصولاً، احتمال تأثیر پول‌شویی بر صورت‌های مالی به مراتب کم‌تر از تقلب‌هایی نظیر سوءاستفاده از وجوه است. در نتیجه، احتمال کشف فعالیت‌های پول‌شویی در حسابرسی صورت‌های مالی کاهش می‌یابد. این موضوع باید به صورت شفاف اطلاع‌رسانی شود.

البته نباید فراموش کرد که طبق استانداردهای حسابرسی، فرآیند حسابرسی باید به گونه‌ای طراحی شود که از نبود تحریف با اهمیت ناشی از تقلب یا اشتباه در صورت‌های مالی، اطمینان معقول حاصل گردد. بنابراین، انتظارات به‌حقی نیز از سوی ذی‌نفعان کلیدی وجود دارد که باید اعضای جامعه با افزایش کیفیت حسابرسی خود، آن‌ها را برآورده سازند. قطعاً اگر حرفه‌ی حسابرسی می‌خواهد در آینده جایگاه مناسب‌تری را در جامعه به خود اختصاص دهد، بایستی نقش مهم‌تری را در مبارزه و کشف فساد ایفا کند.

◀ سعید جمشیدی فرد:

ابتدا باید توجه کنیم که طیف ذی‌نفعان گسترده است و اولویت و تنوع انتظاراتی متفاوتی دارند. همچنین، دامنه‌ی آنچه به عنوان جرم، سوءاستفاده‌ی مالی، تقلب و فساد مالی و از این قبیل مطرح می‌شود نیز وسیع است. از سوی دیگر انتظار حرفه‌ای و تخصصی و به‌عبارت دیگر مسئولیت حسابرس مستقل را استانداردهای حسابرسی مشخص کرده است. هر چند به اعتبار مسئولیت بازرسی و احکام اختصاصی مقرراتی، بخشی از آن انتظارات به عهده حسابرس گذاشته شده ولیکن به صرف تعیین تکالیف خارج از حوزه‌ی استاندارد نمی‌توان بدون فراهم نمودن ابزار و امکانات، هر انتظاری را تأمین برخی انتظارات به‌جا و مستقیم است که در این صورت با تأمین امکانات قابل انجام است. از این دست، چنانچه دسترسی به سامانه‌های اطلاعاتی مرتبط، حق‌الزحمه‌ی اختصاصی، تدوین ضوابط تخصصی و ساختار حمایتی قانونی برای تأمین این‌گونه ذی‌نفعان فراهم شود قابل انجام است.

با این حال در مواردی همکاری جامعه در مبارزه با اقدامات مجرمانه و فساد در زمینه‌های استعمال‌های بانکی، ضوابط و مقررات پولی بانکی و بازار سرمایه، توسعه‌ی امر حسابرسی طی بیست سال گذشته که به شدت در فرآیند مالیات‌ستانی

فاصله‌ی انتظارات

ذی‌نفعان کلیدی حرفه‌ی حسابرسی از حسابرس مستقل انتظاراتی گسترده درباره‌ی کشف تقلب و حساب‌سازی، سوءاستفاده و پول‌شویی و همچنین مبارزه با فساد مالی و اقتصادی در حسابرسی مستقل صورت‌های مالی سالیانه دارند. برای درک بهتر آنان از این امر و عقلانی‌سازی انتظارات ذی‌نفعان در چارچوب قوانین و مقررات و ضوابط موجود، چه اقداماتی انجام شده و جامعه چه دستاوردهایی داشته و با کدام موانع و چالش‌ها مواجه بوده است.

◀ سید رحمت‌الله اکرمی:

به‌طور کلی، عملکرد جامعه در ارتباط با شفاف‌سازی نقش حسابرسان مستقل در زمینه‌ی کشف تقلب، پول‌شویی و غیره مناسب بوده است. برای نمونه، در ارتباط با تعیین وظایف حسابرس در مبارزه با پول‌شویی، دستورالعمل اجرایی در شورای عالی جامعه تصویب شد که در حال اجرا است.



و همچنین بهبود گزارشگری و گسترش بازار سرمایه ستودنی است. متأسفانه ارزیابی‌ها از عملکرد حرفه و حسابرسی منتزع از وضعیت اقتصاد و محیط کسب و کار صورت می‌گیرد و عموم توقعات بر حلقه‌ی آخر زنجیره‌ی گزارشگری مالی متمرکز می‌شود.

برای رفع موانع و کاهش شکاف انتظارات باید دید که خواسته‌های ذی‌نفعان چیست؟ بسیاری از انتظارات از جامعه با موازین حرفه‌ای متناسب نیست. مثلاً اگر در مورد عدم شفافیت بحث می‌کنیم باید ابتدا سیاست‌گذاری‌های کلان و اراده عملی به مبارزه با فساد و تقلب را در خصوص مالیات‌ستانی، اعطای تسهیلات مالی، تخصیص ارز، انتصاب مدیران بنگاه‌های اقتصادی، امور گمرکی و... و از همه مهم‌تر یکپارچگی این موارد سنجیده شود و سپس انتظارات از حسابرسی که اساساً دسترسی به امکانات و ابزارهای لازم برای رسیدگی و نظارت ندارد مطرح شود. البته ما هم در ضابطه‌گذاری حرفه‌ای، گزارشگری و استانداردگذاری چابکی لازم برای تامین انتظارات بجای ذی‌نفعان با شناسایی مناسب نیازها و درکی واقعی از محیط کسب و کار و اقتصادی در این جهت نداشته‌ایم.

◀ مصطفی جهانبانی:

در ادبیات حسابرسی بحث مفصل بین آن چه که استفاده‌کنندگان از خدمات حسابرسی انتظار دارند با آنچه حسابرسان در عمل انجام می‌دهند یا طبق استاندارد ملزم به انجام آن هستند به‌عنوان فاصله‌ی انتظاری در حسابرسی، تفاوت وجود دارد. برای کاهش فاصله‌ی انتظاری راهکارهای مختلفی از جمله افزایش آگاهی استفاده‌کنندگان نسبت به نقش و مسئولیت حسابرسان، تغییر در استانداردها جهت تامین هرچه بیش‌تر انتظارات، افزایش دانش و توانایی حسابرسان پیشنهاد می‌شود. مادام که دغدغه‌ی اصلی استفاده‌کنندگان خدمات حسابرسان مستقل در کشور اتکا به اطلاعات مالی حسابرسی شده برای تصمیم‌گیری نباشد و یا به عبارتی تصمیم‌گیری بدون توجه به کیفیت اطلاعات مالی اتخاذ گردد، ممکن است انتظاراتی از قبیل کشف تقلب و... از حسابرسان مستقل نیز داشته باشند. در این زمینه جامعه‌ی حسابداران رسمی، مرجع تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی و بورس اوراق بهادار در تبیین وظیفه اصلی حسابرسان مستقل و کاهش فاصله‌ی انتظاری می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد.

◀ رحمت‌اله صادقیان:

برای پاسخ دادن به این سؤال لازم است قبل از هر چیز روشن‌سازیم امروز در چه وضعیتی قرار داریم و وضعیت مطلوب که باید ترسیم شود چه وضعیتی است و این فاصله‌ی

انتظار چگونه و با چه استراتژی و برنامه‌ای جبران شود. در طی ۲۰ سال گذشته و از زمان شکل‌گیری جامعه، با توجه به اسناد بالادستی، اقدام‌های مناسبی به‌عمل آمده تا نقش جامعه‌ی حسابداران و مؤسسات حسابرسی در وظیفه‌ی اطمینان‌بخشی از صورت‌های مالی و جایگزینی مؤسسات عضو جامعه به‌جای سایر حوزه‌های حسابرسی و نظارتی در میان ذی‌نفعان کلیدی شناسانده شود و تلاش شد این باور در میان آنان تحکیم و گسترش یابد که می‌توانند خدمات مورد نیاز خود را از جامعه‌ی حسابداران دریافت کنند.

در سال‌های اولیه‌ی تشکیل جامعه بخش عمده‌ای از وقت ارکان جامعه صرف معرفی جامعه و مؤسسات عضو شده است و با این حال هنوز نیز بسیاری از ذی‌نفعان و حوزه‌ها و سازمان‌های نظارتی نسبت به جامعه و نقش تأثیرگذاری آن در اطمینان‌بخشی و نظم و انضباط و شفاف‌سازی ناآشنا هستند. از این‌رو، نیاز است برای عقلانی‌سازی انتظارات ذی‌نفعان با تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت و معرفی دقیق حدود و صغور خدمات حسابرسی، فاصله‌ی انتظار را کاهش داده و با سنجش دقیق و ارزیابی‌های دوره‌ای نسبت به تحقق آن اطمینان حاصل کرد.

افزایش آگاهی استفاده‌کنندگان نسبت به نقش و مسئولیت حسابرسان و افزایش دانش و توانایی حسابرسان، اهمیت تصمیم‌گیری و اتکای ذی‌نفعان و تصمیم‌گیران بر صورت‌های مالی و اطلاعات مالی که حسابرسان بر مبنای استانداردها اعتباربخشی کرده‌اند و قادر به تأمین انتظارات ذی‌نفعان

است قادر به کاهش فاصله‌ی انتظارات است. بنابراین نقش جامعه‌ی حسابداران و سازمان بورس و اوراق بهادار و مرجع استانداردگذار در این میان می‌تواند تعیین‌کننده باشد. فعالیت و تلاش‌های دوچندان حسابرسان مستقل نیز در کاهش فاصله‌ی انتظارات نقش بسیار دارد. به‌طور کلی، در طول ۲۰ سال گذشته اقدامات زیادی صورت گرفته لیکن در حال حاضر به سرعت بیش‌تری نیاز است تا بتوان ضمن کاهش فاصله‌ی انتظارات، باور اجتماعی را نیز در تکیه بر گزارش‌های حسابرسی افزایش داد.

«هوشنگ نادریان»

باید توجه کنیم که ذی‌نفعان حرفه‌ی حسابرسی طیف وسیعی از جامعه را در بر می‌گیرند. سهامداران و مدیران بنگاه‌های مورد رسیدگی، سرمایه‌گذاران، دولت، تحلیل‌گران، سازمان مالیاتی، مراجع قضائی و مراجع قانون‌گذاری، مراجع نظارتی مانند بورس، جامعه‌ی حسابداران رسمی و مرجع استانداردگذاری و... از جمله ذی‌نفعان گزارش‌های حسابرسی هستند به‌طور کلی هر فرد یا سازمانی که جهت تصمیم‌گیری‌های خود نیاز به دسترسی به اطلاعات مالی با اعتباردهی دارد، ذی‌نفع حرفه‌ی حسابرسی تلقی می‌شود.

این تنوع ذی‌نفعان زمینه‌ی تنوع انتظارات را نیز ایجاد می‌کند و حرفه با انتظارات متضاد مواجه می‌شود. مثلاً سهامدار یا دولت یا مراجع مقنن از حسابرس، انتظار شفافیت از طریق حسابرسی دقیق با کشف تقلب را دارند درحالی‌که مدیران واحد مورد رسیدگی متقاضی حداکثر تساهل و تسامح در صدور گزارشات و اخذ گزارش با اظهارنظر مقبول بدون آن‌که زمینه آن را فراهم کرده باشند، می‌باشند. مراجع قضایی، گزارش با تعیین رقم دقیق در مورد دعوی طرفین را خواستارند، درحالی‌که مرجع استانداردگذار، طرح موارد ابهام و محدودیت در گزارش حسابرسی را به رسمیت شناخته است. یکی از عوامل موفقیت در دنیای امروز بحث ارتباطات است. جامعه باید با استقرار سازوکار مناسب، به‌طور مستمر و هوشمندانه نظرسنجی‌هایی از ذی‌نفعان داشته باشد و با اصول علمی آن را جمع‌بندی، تحلیل و پایش کند. ارتباط نزدیک با مراجع مقنن، مراجع نظارتی و مرجع استانداردگذار جهت پرهیز از حرکات انفعالی در برخورد با مصوبات قطعی و لازم‌الاجرا، کاملاً مورد توصیه است.

موانع و چالش‌ها در این زمینه، تضاد منافع جدی این ذی‌نفعان و مشکلات ساختاری در حرفه مانند مشکلات اقتصادی، پایین بودن حق الزحمه، پایدار نبودن شرایط مؤسسات حسابرسی، رقابت ناسالم و ضعف نظارت است که زمینه را برای کار اصیل و حرفه‌ای دشوار می‌کند.

«عباس هشی»

عدم اشراف کامل مقامات ناظر بر مفاهیم حسابرسی زمینه‌ساز بروز چنین اظهارنظرهایی می‌شود. کشف تقلب و تبانی در حوزه‌ی مسئولیتی حسابرسی نیست. توجه شود که مراجع قضایی شرح وظیفه‌ی حسابرس را براساس ماده‌ی ۱۴۸ قانون تجارت می‌دانند که براساس آن بازرسی یا بازرسان علاوه بر وظایفی که در سایر مواد این قانون برای آنان مقرر شده است مکلفند درباره صحت و درستی صورت‌داری و صورت‌حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می‌کنند اظهارنظر کنند. این عدم‌شبهه در درک شفافیت منحصر به مقام ناظر و یا دیگر ذی‌نفعان نیست حتی برخی از مدیران ارشد حسابرسی هم در آن شبهه دارند. در حالی که طبق این «استانداردهای ترجمه شده» حسابرس مسئول کشف تبانی نیست. اگر موردی را رصد کند آن‌هم از دید استاندارد حسابرسی و رسیدگی آزمایشی موضوع قابل گزارش‌دهی است.

فن‌آوری اطلاعات

۲

در شرایطی که اطلاعات مالی بخش بسیار بزرگی از واحدهای مشمول حسابرسی، به‌ویژه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، به‌صورت کامل الکترونیکی و مبتنی بر فن‌آوری اطلاعات است، جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران در زمینه‌ی استفاده از فن‌آوری اطلاعات برای ارائه‌ی خدمات تخصصی حسابرسی مستقل صورت‌های مالی واحدهای مزبور، چه اقداماتی انجام داده است؟ ارزیابی شما از ضریب نفوذ فن‌آوری‌های نوین حسابرسی در زمینه‌ی خدمات مزبور چیست؟

«سید رحمت‌اله اکرمی»

استفاده از فن‌آوری اطلاعات برای ارائه‌ی خدمات حسابرسی صورت‌های مالی اهمیت بسیار بالایی دارد. گزارشی که اخیراً توسط فوربز و کی‌پی‌ام‌جی (KPMG) منتشر شد، نشان می‌دهد که ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی به عمل آمده، بر این باورند که حسابرسان باید از نمونه‌های بزرگ‌تر و تکنولوژی‌های پیچیده‌تری برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها در کارشان استفاده کنند. در واقع، برای پاسخگویی به انتظارات رو به رشد ذی‌نفعان از حرفه، ناگزیر به استفاده از فن‌آوری اطلاعات هستیم. در حال حاضر، کشورها



و تغییرات در شکل و مابه‌ازای مبادلات پولی و فعالیت‌های اقتصادی به سوی سازوکارهای دیجیتالی، استارت‌آپ‌ها، رمزارزها، هوش مصنوعی صورت گرفته تأخیر در تطبیق ادامه فعالیت متعارف و سنتی را ناممکن خواهد ساخت. در جایی که انتظار می‌رود ظرف ده سال آینده حرفه‌ی حسابداری با وضعیت فعلی موجودیتی نخواهد داشت راه‌حل تسلط به دانش‌های روز و آینده از جمله حوزه‌ی فن‌آوری و تکنولوژی اطلاعات است. با چنین تصویری کاملاً روشن است که حسابرسی نیز باید نیازهای شرکت‌ها و فعالان اقتصادی که متناسب با این تحولات پیش می‌رود سازگار و تجهیز کند. در این راستا جامعه و وظیفه دارد افق پیش رو را به اعضای خود از طریق آموزش، آگاهی‌رسانی و انتقال تجربیات کشورهای پیشرفته فراهم کرده و در بخشی از زیر ساخت‌های عمومی را فراهم آورد ولی اصولاً این مؤسسات هستند که در استراتژی فعالیت خود سرمایه‌گذاری لازم برای کسب دانش فنی، مهارت و تخصص‌های مرتبط با فن‌آوری اطلاعات را به عمل آورده و تا در رقابت، مزیت نسبی ایجاد کنند. باید تأکید کرد که اتکا به فن‌آوری اطلاعات و به‌کارگیری دانش و مهارت نوین در این حوزه سرنوشت محتوم اعضا و جامعه است.

◀ مصطفی جهانبانی:

در حد اطلاعات و آگاهی خودم به‌دلیل محدودیت‌های ناشی از شرایط حاکم بر حرفه از جمله پایین بودن سطح درآمد مؤسسات حسابرسی بخش خصوصی و توان مالی جامعه‌ی حسابداران و تأثیر تحریم بر عدم دستیابی به ابزار مورد استفاده مؤسسات حسابرسی بین‌المللی و عدم اقدام مؤثر مؤسسات حسابرسی دولتی و وابسته به نهادهای عمومی، علی‌رغم داشتن وظیفه‌ی حسابرسی عمده بنگاه‌های بزرگ فعال در کشور (به‌دلیل به دولتی و عمومی بودن اقتصاد) و از طرفی استفاده‌ی مؤثر بنگاه‌های اقتصادی بزرگ به‌ویژه بانک‌ها از فن‌آوری‌های نوین در فرآیند پردازش و گزارش‌گری اطلاعات مالی، به نظر می‌رسد حرفه‌ی حسابرسی از ضریب نفوذ پایین‌تر در استفاده از فن‌آوری‌های نوین حسابداری برخوردار است.

◀ رحمت‌اله صادقیان:

به خاطر دارم که در خصوص بهره‌برداری از فن‌آوری اطلاعات برای ارائه‌ی خدمات تخصصی در دوره‌ی ششم تلاش کردیم تا به کمک شرکت همکاران سیستم نسبت به تأمین و رفع این نقیصه اقدام شود اگرچه در سال‌های قبل اقداماتی در سازمان حسابرسی و مؤسسه‌ی مفید راهبر و یا به‌طور مستقل در بعضی از مؤسسات بزرگ در این زمینه به‌عمل آمده است، لکن اقدامات جزیره‌ای تأمین‌کننده‌ی نیاز حسابرسان و مؤسسات بزرگ و صاحب‌کاران نیست و در این حوزه دارای

توسعه‌یافته در زمینه‌ی حسابرسی، گام را فراتر از این نهاده‌اند و استفاده از تکنولوژی‌های شناختی مبتنی بر هوش مصنوعی را در دست اقدام دارند.

جامعه‌ی حسابداران رسمی با درک این نیاز، اقداماتی متعددی را در این خصوص به انجام رسانده است. در جلسه بیست و هفتم شورای عالی ششم، بحث تدوین طرح کلان حسابرسی فن‌آوری اطلاعات مورد بررسی قرار گرفت. در این طرح، حسابرسی کامپیوتری در دو بخش (۱) کامپیوتری نمودن فرآیند حسابرسی و (۲) حسابرسی در محیط‌های مبتنی بر فرآیند اطلاعات، مورد توجه قرار گرفت. قطعاً با پی‌گیری و اجرای کامل این طرح، شاهد توسعه‌ی مناسبی در بهره‌گیری از فن‌آوری اطلاعات در امر حسابرسی خواهیم بود.

◀ سعید جمشیدی‌فرد:

البته در این خصوص اقدامات جامعه از اعضای شاغل را باید جدا کرد. جامعه خود در زمینه‌ی فن‌آوری اطلاعات در جهت اعمال نظارت حرفه‌ای و همچنین تأمین نیاز برخی نهادها مثل بانک‌ها، بورس، وزارت صمت، اتاق‌ها و سازمان امور مالیاتی اقدامات قابل قبولی انجام داده که کماکان در جریان است. با این حال این امر در ساختار تشکیلاتی جامعه و اعضا نیازمند بازنگری و استقرار و یکپارچگی است تا نیازهای سطوح مختلف ارکان و اعضا را به‌موقع و با کیفیت مناسب تأمین کند که در این زمینه سند راهبردی در حوزه‌ی فن‌آوری اطلاعات تدوین شده است. با تحولاتی که در صنعت، تجارت و کسب‌وکار در پیش است

۳

آموزش حرفه‌ای

برنامه‌ریزی و اجرای مناسب آموزش حرفه‌ای مستمر، از جمله انتظارات به‌حق اعضای جامعه است. آیا نظام‌نامه‌ی آموزش حرفه‌ای جامعه مبتنی بر نیازسنجی آموزش حرفه‌ای رده‌های مختلف حرفه‌ای و متناسب با انتظارات حرفه‌ای از آنان، همچنین آموزش مهارت‌های حرفه‌ای لازم برای حسابرسی صنایع خاص مانند بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، شرکت‌های بیمه و کسب‌وکارهای مبتنی بر فن‌آوری‌های نوین تدوین شده است؟ همچنین آیا به نظر شما برنامه‌های آموزشی متناسب با موارد مستعد بهبود شناسایی شده ناشی از کنترل کیفیت، طراحی و اجرا شده است؟

◀ سید رحمت‌اله اکرمی:

پیشرفت فن‌آوری، جهانی‌شدن تجارت، افزایش تخصص، فراوانی مقررات و ماهیت پیچیده رویدادهای مالی کسب‌وکار موجب ایجاد فضایی پویا شده است که حسابداران رسمی را ملزم به حفظ یا بهبود مستمر شایستگی حرفه‌ای خود می‌کند. آموزش حرفه‌ای مستمر به منظور حفظ یا بهبود شایستگی حرفه‌ای و ارائه‌ی خدمات حرفه‌ای با کیفیت برای حسابداران رسمی، الزامی است. اهمیت آموزش حرفه‌ای به حدی است که برای مثال در برخی کشورها، مدرک حرفه‌ای برای یک دوره‌ی دو ساله معتبر است و از جمله الزامات تمدید و فعال نمودن آن، گذراندن ۸۰ ساعت آموزش طی این دو سال می‌باشد. همچنین، حداقل باید ۴۰ ساعت از مجموع ۸۰ ساعت آموزش، در زمینه‌ی موضوعات فنی باشد.

با این توضیح، برگزاری دوره‌ی آموزشی حسابداران رسمی، دوره‌ی آموزشی رده‌های حسابرسی مربوط به کارکنان حرفه‌ای مؤسسات حسابرسی، برگزاری آزمون رتبه‌بندی کارکنان، دوره‌های آموزشی برگزار شده خارج از جامعه و دوره‌ی آمادگی آزمون حسابدار رسمی از جمله مواردی است که در شورای عالی مصوب شده و توسط مرکز آموزش حسابداران رسمی (ماحر) در حال اجرا است. البته با وجود اقدامات صورت گرفته در این بخش، به نظر بنده هنوز جامعه‌ی حسابداران رسمی کشور نیازمند تلاش بیش‌تری در این زمینه است و بایستی این موضوع را با جدیت بیش‌تری پیگیری کند.

ضعف اساسی هستیم. حتی تقبل کردیم کلیه‌ی هزینه‌های مربوط به تهیه‌ی نرم‌افزار از یک بنگاه بیرونی تأمین شود که به دلایلی میسر نگردید. اخیراً نیز با شرکت همکاران سیستم جلسه‌ای به‌منظور تحقق این موضوع تشکیل شد و امیدواریم بتوان این نیاز اساسی را تأمین کنیم.

خلاً مهمی در این زمینه وجود دارد. در شرایط کنونی باید تلاش کنیم این ضعف را از طریق همکاری با توانمندترین شرکت‌های نرم‌افزاری داخلی که در زمینه‌ی نرم‌افزارهای مالی تخصص دارند تأمین کنیم. البته، در طی سال‌های گذشته نیز اقدام گردید تا بتوانیم نسبت به خرید نرم‌افزار از مؤسسات بین‌المللی اقدام نمود که به دلیل شرایط تحریم میسر نگردید. لیکن تأمین این نیاز و افزایش ضریب نفوذ فن‌آوری‌های نوین از مبرم‌ترین ضرورت‌های امروز است.

مؤسسات بخش خصوصی به دلیل پایین بودن سطوح درآمد توانایی لازم را برای تأمین مالی ندارند و اقدامات مؤثر اجرایی باید از طریق جامعه با مشارکت مؤسسات حسابرسی بزرگ دولتی و وابسته به نهادهای عمومی و با استفاده از توانمندی‌های شرکت‌های نرم‌افزاری صورت پذیرد.

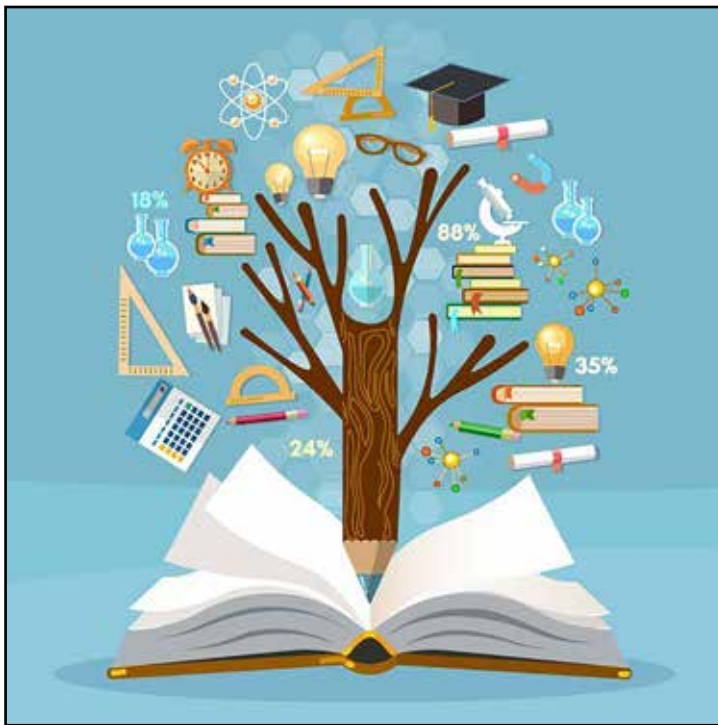
◀ هوشنگ نادریان:

توسعه‌ی بنگاه‌داری، پراکندگی جغرافیایی، ضرورت دسترسی به استفاده سریع و بر خط اطلاعات، موضوع گزارشگری مستمر (Continuous reporting) را در بنگاه‌ها به‌طور جدی اجتناب‌ناپذیر ساخته است و گزارشگری مستمر با توجه به اهمیت نقش اعتباردهی حرفه‌ی حسابرسی، حسابرسی مستمر (continuous audit) را ضروری ساخته است.

اقدامات جامعه‌ی حسابداران رسمی در زمینه‌ی استفاده از IT در حرفه‌ی حسابرسی تاکنون بیش‌تر جنبه‌ی شکلی داشته تا محتوایی. تشکیل کمیته‌ی IT هرچند اقدامی ضروری بوده لکن شاهد اثرات مشخصی در زمینه افزایش نفوذ IT در حرفه نمی‌باشیم. دستیابی به IT در حسابرسی مستلزم سرمایه‌گذاری جامعه و مؤسسات در این زمینه مهم است. توجیه و جلب حمایت دولت به‌عنوان پشتیبان جهت تقویت این امر کاملاً ضروری است. مطالبه‌ی جدی‌تر استفاده از IT در نظارت‌های جامعه و بورس از مؤسسات و ارائه‌ی کمک‌های فنی در این زمینه قطعاً منجر به افزایش ضریب نفوذ IT در حرفه خواهد شد.

◀ عباس هشی:

با این حق‌الزحمه‌ی ناچیز و رقابت نابرابر سازمان حسابرسی و مفید راهبر با مؤسسات خصوصی ضرورت دارد جامعه کار طراحی و آموزش نرم‌افزاری در این خصوص را برای حسابداران رسمی شاغل فراهم نماید.



و ارائه‌ی این خدمات آموزشی خوشبختانه به روال خوبی ادامه دارد.

« هوشنگ نادریان:

آموزش‌های ارائه شده به حسابسان توسط جامعه عمدتاً بر محورهای استانداردهای عمومی و قوانین و مقررات بوده و مهارت‌های حرفه‌ای برای صنایع خاص و کسب و کارهای مبتنی بر فن‌آوری‌های نوین (مانند استارت‌آپ‌ها و مؤسسات دانش بنیان) کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. به شرح مورد سوال ۲ یکی از ضرورت‌های حرفه، تسلط حسابسان بر IT است که در این زمینه نیز شاهد اقدامات جدی و محتوایی نیستیم. از دیگر عقب افتادگی‌های مهم حرفه عدم تسلط حسابسان بر حسابرسی بر مبنای مدل ریسک می‌باشد که علی‌رغم تهیه‌ی دستورالعمل‌هایی در این زمینه، بررسی‌های کنترل کیفیت نشان می‌دهد که این امر در حرفه بسیار مهجور است. بهینه‌ی کاوی در جهت شناسایی فن‌آوری‌ها، برنامه‌ریزی آموزشی بر مبنای فاصله بین شرایط موجود براساس نتایج کنترل کیفیت و شرایط مطلوب، مطالبه کیفیت مطلوب مبتنی بر فن‌آوری‌های نوین و توجه به نیازهای خاص مانند صنایع خاص در کسب و کارهای نوین، هماهنگی با دانشگاه‌ها جهت تامین دانش لازم به ویژه در زمینه‌ی استانداردهای حسابداری و به روزآوری آن، تمرکز بر جذب دانشجویان حسابداری از رشته‌ی ریاضی، می‌تواند در بهبود شرایط حرفه مؤثر باشند.

« سعید جمشیدی فرد:

موضوع آموزش مستمر حرفه‌ای از الزاماتی است که اجرایش مؤید برقرار بودن صلاحیت دانشی و مهارتی اعضاست. این موضوع اگر چه از ابتدا همواره مد نظر ارکان جامعه بوده است اما از اوایل دهه‌ی دوم فعالیت جامعه با تدوین آیین‌نامه‌ی مربوط لازم‌الاجرا و جدی‌تر شد. با این حال دیدگاه‌های متفاوت و موانع فکری در ابتدای راه برای برنامه‌ریزی و اجرا خصوصاً از سوی برخی پیش‌کسوتان، اعضای غیرشاغل و مدیران جامعه وجود داشت. علاوه بر این، تنوع طرق ورود اعضا به جامعه از جمله موانع برنامه‌ریزی بوده است. به نظر من در حوزه‌ی توسعه‌ی آموزش حرفه‌ای اقدامات مقطعی خوبی صورت گرفته ولی این کار نظام‌مند و مبتنی بر نیاز و مشارکت جدی نبوده است. حتی باید اعتراف کرد که بخشی از ایرادات به کیفیت کار اعضای شاغل متوجه ارکان جامعه است نه صرفاً عضوی که اطلاعات و دانش به‌روزی ندارد. در همین راستا تأمین نیاز تحقیقات کاربردی در جهت پاسخگویی تخصصی به اعضا و تولید محصولات فکری کارگروه‌ها نیز خلاء بزرگی بوده است. چنین نقایصی موجب گردید که در سال گذشته تاسیس مرکز آموزش و تحقیقات به تصویب شورا رسیده و امیدوارم با این اقدام زیر بنایی وضعیت آموزش و تحقیقات بهبود یابد.

« مصطفی جهانبانی:

بخش آموزش جامعه از اثر بخش‌ترین فعالیت‌های جامعه در سنوات اخیر بوده و خدمات قابل توجهی را به اعضای جامعه‌ی حسابداران ارائه کرده است. بدیهی است تدوین برنامه‌ی آموزشی متناسب با نتایج کنترل کیفیت جامعه و نیاز سنجی آموزشی، باعث ارتقای خدمات حرفه‌ای اعضا خواهد شد.

« رحمت‌اله صادقیان:

اقدام برای توسعه و تعمیق خدمات آموزش حرفه‌ای با توجه به اهداف استراتژیکی جامعه و نیازهای مؤسسات از همان بدو امر فعالیت جامعه مورد توجه قرار داشته است. در تمامی شوراهای منتخب نیز بر این موضوع توجه شده و برای آن برنامه‌ریزی‌های لازم صورت گرفته است. اختصاص بخشی از درآمد جامعه به منظور امور آموزش اعضا در این راستا بوده است. خوشبختانه به‌ویژه در چند سال اخیر حوزه‌ی آموزش جامعه بسیار فعال بوده و عمده‌ی دوره‌های آموزشی نیز بر اساس نیازسنجی محیطی داخلی و بیرونی صورت پذیرفته است. همچنین تعامل خوبی هم بین آموزش جامعه با سایر مراکز آموزش حرفه‌ای وجود داشته و به سبب این تعامل هم‌افزایی مناسبی نیز ایجاد شده است. در مجموع، بخش آموزشی جامعه از تأثیرگذارترین حوزه‌های فعالیت جامعه در سنوات اخیر بوده و خدمات مطلوبی به اعضا ارائه کرده است

عباس هشی:

برنامه‌های اجرا شده، تا حدود زیادی مؤثر و یاری‌رسان بوده است. اخیراً برای حسابرسی بیمه، تدارک آزمون تخصصی حضور در زیرمجموعه‌ی بیمه‌ی مرکزی و دوره‌ی آموزش و صدور گواهینامه صرفاً برای «حسابرسی ویژه» انجام شده است. برای بانک‌ها نیز می‌تواند این کار انجام شود.

۴

کیفیت حسابرسی

ارتقای کیفیت خدمات حسابرسی، از جمله شاخص‌های کلیدی میزان تحقق دستیابی به اهداف حوزه‌ی نظارت حرفه‌ای جامعه است. آیا نتایج ارزیابی‌های جامعه از کنترل کیفیت کار و وضعیت مؤسسات طی ۲۰ سال اخیر، بیانگر اثربخشی حوزه‌ی امور نظارت حرفه‌ای جامعه در این خصوص، از جمله افزایش نسبی کیفیت حسابرسی بوده است؟

سید رحمت‌اله اکرمی:

به اعتقاد فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC)، تضمین رعایت استانداردهای اخلاقی، فنی و حرفه‌ای از جمله مهم‌ترین دلایل وجود مقررات برای اطمینان از کیفیت مناسب خدمات حرفه‌ی حسابرسی است. طبق اساسنامه‌ی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران، جامعه بر کار حرفه‌ای حسابداران رسمی و مؤسسات حسابرسی، نظارت مستمر دارد. این نظارت سالانه مستلزم مراجعه‌ی حضوری گروه بررسی‌کننده، کنترل وضعیت و کیفیت کار مؤسسات حسابرسی، تکمیل پرسش‌نامه‌های مربوط، بررسی آن‌ها در کارگروه کنترل کیفیت و در نهایت، تصویب و اعلام امتیازها در ۴ گروه الف، ب، ج و د به مؤسسات در پایگاه اطلاع‌رسانی جامعه است.

خوشبختانه تمامی این موارد توسط جامعه طی سال‌های فعالیت آن و با وجود محدودیت‌ها، پیگیری شده و اثر آن بر افزایش نسبی کیفیت خدمات حسابرسی مشهود است. هرچند، با وجود اقدامات صورت گرفته در زمینه‌ی نظارت حرفه‌ای و مجازات‌های پیش‌بینی شده، در چارچوب فعلی جامعه برخی کاستی‌ها از جمله عدم صدور گزارش رسمی نسبت به کنترل کیفیت و بررسی رفع موارد عدم کارآیی توسط مؤسسات وجود دارد. به عبارت دیگر، با وجود کنترل‌های صورت گرفته، جزئیات آن به صورت عمومی منتشر نمی‌شود و پیگیری مؤثری برای رفع مشکلات کیفی توسط جامعه‌ی حسابداران رسمی صورت نمی‌گیرد.

سعید جمشیدی فرد:

موضوع کیفیت خدمات حسابرسی زنجیره‌ای است که از قبل از زمان صدور کارت عضویت اعضا شروع می‌شود. بنابراین، فرآیند کیفیت خدمات حسابرسی را از کیفیت تحصیلات دانشگاهی، سابقه‌ی کار، صلاحیت‌های عمومی و نهایتاً نحوه و کیفیت پذیرش شامل آزمون‌های حسابداران رسمی آغاز می‌شود که مسئولیت احراز این موارد به عهده‌ی هیأت تشخیص صلاحیت حسابداران رسمی است و جامعه در این چرخه نقشی ندارد. در این مرحله از ابتدا استثنای معافیت‌هایی برقرار شد که در عمل سطوح نابرابری از کیفیت دانشی تجربی و سوابق کاری حائز عنوان حسابداران رسمی شدیم که به تبع آن این تفاوت‌ها تأثیر خود را پس از اشتغال به کار حرفه‌ای گذاشته است. با این حال جامعه تلاش قابل توجهی طی دو دهه‌ی گذشته در امر نظارت حرفه‌ای، کنترل کیفیت کار و وضعیت مؤسسات صورت داده است. اگر چه نقایص و ایراداتی در خصوص کیفیت کارها مطرح و وجود احکام انضباطی شاهده‌ی بر این نقیصه است ولیکن این موضوع را در ظرف عمومی اقتصاد و محیط کسب‌وکار باید تحلیل و قضاوت کرد.

به نظر من جامعه به طور نسبی در این امر موفق بوده است. اما این که بگوییم کامل بوده، خیر، جای کار زیاد داریم. در این خصوص متغیرهای متعددی در زنجیره‌ی کیفیت خدمات حسابرسی شامل عوامل خارج از امکان کنترل توسط شاغلین و همچنین جامعه از یک سو و محیط تحت حسابرسی و نقش مالکان و مدیران در انحراف زنجیره شفافیت از سوی دیگر نقش دارند که بر کیفیت محصولات حرفه‌ای اثر می‌گذارد. با این حال در بخش نظارت جامعه بر کیفیت خدمات حرفه‌ای، اشکالات ساختار نظارتی، مدیریتی و سیاست‌گذاری و به‌طور کل تعامل عملیاتی و همچنین چارچوب مقرراتی ارکان جامعه از جهات تداخل، تزاخم و تأثر از یک سو و تأثیر مستقیم نیروی انسانی در تشخیص و تعیین کیفیت از سوی دیگر نیازمند بررسی مجدد و بازنگری است. راه‌حل بهبود این بخش از نقائص مستلزم اصلاح مقررات داخلی و فراتر از سطح جامعه، تأمین بودجه و جایگزینی نظارت و کنترل انسانی با نظام کنترلی مبتنی بر فن‌آوری اطلاعات و سیستم‌های نظارتی چند لایه و مستقل است.

مصطفی جهانبانی:

اساس تداوم خدمات و تأمین نظر ذی‌نفعان استفاده از اطلاعات مالی، کیفیت خدمات حرفه‌ای است. جامعه‌ی حسابداران رسمی در طول عمر فعالیت خود همواره بر ارتقای کیفیت خدمات اعضا تأکید داشته است. کنترل کیفیت خدمات

اعضا در ساختار قانونی جامعه گنجانده شده و جزء وظایف ذاتی جامعه نیز می‌باشد. هرچند بازنگری و تحول در شیوه‌ها و روش‌های اجرایی آن، بعد از گذشت چند دوره از فعالیت‌های جامعه، ضروری به نظر می‌رسد. لکن ارتقای متوسط رتبه‌ی مؤسسات حسابرسی و انسجام در ارائه‌ی کیفی خدمات توسط اعضا، حاصل پرداختن جدی به این مقوله بوده است.

◀ رحمت‌اله صادقیان:

مسأله‌ی ارتقای کیفیت ارائه‌ی خدمات حسابرسی در تمامی حیات بیست‌ساله‌ی جامعه همواره مورد توجه ادوار شورا بلکه علاوه بر آن سایر ارکان جامعه بوده است. بیش‌ترین هزینه‌های عملیاتی جامعه نیز در همین راستا است. در سند راهبردی جامعه نیز بهبود و تقویت مستمر کیفیت خدمات حرفه‌ای به‌عنوان یکی از ۱۰ هدف راهبردی مورد توجه بوده است. در این زمینه میان ارکان جامعه اتفاق نظر وجود دارد که توجه به پاسخ‌گویی مطلوب در تأمین نیاز ذی‌نفعان برای دریافت اطلاعات مالی قابل‌اتکا و اطمینان‌بخش مهم‌ترین تأکیدی است که باید آویزه‌ی گوش فعالان حرفه‌ای باشد. چراکه در نهایت تداوم ارائه‌ی خدمات و فعالیت‌های حرفه‌ای مستلزم کیفیت مناسب خدمات ارائه شده است.

کنترل کیفیت خدمت‌رسانی اعضای جامعه و مؤسسات حسابرسی از اصلی‌ترین وظایف ستاد اجرایی جامعه است و در ساختار جامعه نیز این بخش لحاظ شده است. در عین حال، با توجه به گذشت زمان و توسعه‌ی فعالیت مؤسسات، بازنگری در روش‌های کنترل کیفیت، تعمیق نگاه و اصلاح روش‌ها ضرورت دارد و در این زمینه این نیاز وجود دارد که یک برنامه‌ی عملیاتی در راستای استراتژی و سند راهبردی با شاخص‌های کمی و قابل اندازه‌گیری تدوین شود و در ساختار جامعه مورد ارزیابی قرار گیرد و ارزیابی مؤسسات نیز با این نگرش سیستمی جدید صورت پذیرد.

◀ هوشنگ نادریان:

در شرایطی که جامعه شروع به کارکرد بخش عمده‌ای (حدود ۸۰ درصد) از بازار حرفه در دست سازمان حسابرسی بود و مؤسسات کمی باینه اندک در بخش خصوصی فعالیت می‌نمودند. طبیعتاً به دلیل نبود نهاد ناظر بر حرفه، شرایط از نظر کیفیت مناسب ارزیابی نمی‌شد. پس از تشکیل جامعه‌ی حسابداران رسمی، به تدریج تعداد مؤسسات افزایش و توان نیروی انسانی آن‌ها تقویت شده به نحوی که پس از دو دهه عملاً حدود ۲۰ درصد کار حرفه در دست سازمان حسابرسی باقی مانده است. در ابتدای کار نتایج کنترل کیفیت جامعه شرایط مناسبی را نشان نمی‌داد. اما به تدریج حضور جامعه و اعمال نظارت‌های آن تاحدودی سطح کیفیت را بالا برد و

با حضور سازمان بورس و نظارت جدی‌تر آن‌ها بر مؤسسات معتمد در سطح شرکت‌های بورسی نیز این بهبود کیفیت محسوس‌تر شد. لکن به دلایل موارد پیش گفته در مورد عقب ماندگی تکنولوژی و ضعف ساختاری حرفه نمی‌توان وضعیت کیفیت کار اعضای جامعه را در سطح مطلوب ارزیابی کرد.

◀ عباس هشی:

به‌طور قطع فعالیت کارگروه‌های جامعه منجر به افزایش قابل توجه کیفیت حسابرسی شده است. مشکل ما ریشه‌ای است و نداشتن تجربه‌ی مؤسسه‌داری و مسئولیت تضامینی از جمله «مؤسسات جزیره‌ای»، ناچیز بودن درآمد حسابرسی، حضور رقابت نابرابر سازمان‌های دولتی و حاکمیتی حسابرسی (آن‌هم با شرایط موجود که «پیگیر سلب خودانتظامی جامعه و استقلال کار از حساب‌رسان» هستند) و البته عملکرد برخی همکاران که کار حساب‌رسان دیگر را در هوا شکار می‌کنند از جمله در شرایطی که مدیریت شرکت به علت خودداری حسابرسی از تغییر بند شرط حسابرسان مزبور در سال بعد را به بهانه‌های مختلف را از محل کار اخراج کرده‌اند.

سند راهبردی



در نشست دوازدهم آبان‌ماه ۱۳۸۹ سند راهبردی جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران به تصویب شورای عالی جامعه رسیده است. طبق چشم‌انداز سند مزبور، مقرر بود که جامعه‌ی حسابداران رسمی در یک افق ۱۰ ساله به سطح جوامع حرفه‌ای در کشورهای پیشرفته برسد، از آن تاریخ تاکنون بیش از ۱۰ سال سپری شده است. چنانچه فرض کنیم دستیابی حداکثری به اهداف ۱۰گانه راهبردی جامعه، می‌تواند شاخصی برای ارزیابی میزان تحقق راهبردهای جامعه باشد، ارزیابی کلی شما از میزان تحقق اهداف راهبردی جامعه چیست؟ جامعه برای تحقق اهداف یاد شده، با کدام موانع و چالش‌ها مواجه بوده است؟ برای سرعت‌بخشی به تحقق اهداف مزبور چه اقداماتی باید انجام گردد؟

◀ سید رحمت‌اله اکرمی:

با وجود این‌که معتقدم چشم‌انداز سند راهبردی جامعه با درنظر گرفتن شرایط محیطی و امکانات و زیرساخت‌های موجود کشور تدوین نشده، بایستی عرض کنم، جامعه در اجرای



بسیاری از برنامه‌های عملیاتی این سند موفق بوده است. برای نمونه، درج روز حسابدار در تقویم رسمی کشور که با همکاری خزانه‌داری کل کشور صورت گرفت، یکی از اهداف راهبردی محسوب می‌گردد و آرزوی اکثر حسابداران کشور بود که قطعاً در شناساندن خدمات حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی به جامعه و ارتقای جایگاه آن‌ها مؤثر خواهد بود. در سایر برنامه‌ها نظیر ساماندهی مناسب فعالیت‌های حسابداران رسمی یا برقراری ارتباط با نهادهای داخلی و خارجی نیز اقدامات خوبی صورت گرفته و در حال پیگیری است. واضح است که برنامه‌ریزی واقع‌بینانه با در نظر گرفتن شرایط محیطی کشور و استفاده از تجربیات سایر کشورها در توسعه حرفه، می‌تواند موانع را برطرف و سرعت دستیابی به اهداف را تسریع نماید.

◀ سعید جمشیدی فرد:

در دوره‌ی چهارم شورای عالی برای اولین بار تلاش شد تا در کنار سند مقرراتی از ماده واحد و اساسنامه تا آیین‌نامه‌ها و ضوابط جامعه، اهداف قانون‌گذار بر اساس ادبیات علمی مدیریتی و سیاست‌گذاری به عنوان سند راهبردی تدوین شود. سند مزبور حاصل مشارکت حداکثری اعضای شورا و هیأت‌مدیره با در نظر گرفتن الگوهای موجود چشم‌انداز، مأموریت‌ها و اهداف بلندمدت و سپس برنامه‌های اجرایی را تعیین کرد. طبیعی است که در این اولین کار، فرض ثبات محیط زمان تدوین و متغیرهای مورد توجه در تهیه‌ی سند تأثیر داشته است. بر این اساس هر یک از اعضای شورا رابط سیاست‌گذاری برای هر یک از ده هدف مصوب شدند. با این حال در زمانی کم‌تر از یک‌سال یک‌باره و بدون اخذ نظر شورا، اساسنامه‌ی جامعه تغییر یافته و در هیأت دولت به تصویب رسید. این اولین شوک وارده به سند راهبردی و سیاست‌گذار جامعه بود. با توجه اساسنامه‌ی جدید حیطه‌ی اختیارات مراجع دولتی در امور مختلف جامعه افزایش یافت و به‌طور معکوس خصوصاً شورا با محدودیت زیادی برای ایفای وظایف مقرراتی و مورد پیش‌بینی در سند راهبردی شد. در چنین شرایطی رسیدن جامعه به سطح جوامع حرفه‌ای در کشورهای پیشرفته بیش‌تر به یک آرزو می‌ماند.

با این حال، اگر چه سند راهبردی همواره مورد توجه بوده است ولیکن آن‌گونه که در دوره‌ی چهارم به این سند اهمیت داده شد، در دوره‌های دیگر چنان نشد و تنظیم نبودن ارکان جامعه و بعضاً تشکلت در ترکیب اعضای شورا و به تبع آن درگیری هیأت‌مدیره با امور جاری و همچنین بی‌اعتنایی به هویت قانونی جامعه توسط دولت و عدم پشتیبانی مقامات ذی‌ربط آن‌گونه که انتظار می‌رفت، سند راهبردی را از اولویت سیاست‌گذاری دور کرد. با توجه به وضعیتی که تشریح شد، معیارهای دقیقی

برای سنجش تحقق اهداف راهبردی نمی‌توان ارائه داد اما در مجموع پس از گذشت ده سال از سند راهبردی مصوب ۱۳۸۹ با وجود فاصله از اهداف مقرر، این که در شرایطی که استقلال و حتی بقای برخی نهادهای غیردولتی مستقل مورد تردید و تهدید است، با سه برابر شدن اعضا، تشکیل بالغ بر ۲۵۰ مؤسسه، درآمد دوازده هزار میلیاردی، نقش مثبت و تأثیرگذار در شفافیت اقتصادی و اطمینان‌بخشی اطلاعات مالی، اتکای مراجع مختلف به سامانه‌های اطلاعاتی جامعه و شناخته‌تر شدن حرفه‌ی حسابداری و حسابرسی نسبت به گذشته، عملکرد جامعه‌ی حسابداران رسمی قابل قبول و احترام‌برانگیز است.

حال با امید به بهبود روابط با دولت جدید و اقداماتی که طی دو ماه گذشته توسط هیأت مدیره برای تدوین سند راهبردی جدید صورت گرفته است، سند راهبردی با در نظر گرفتن آموزه‌ها و تجربیات دهه گذشته و نظرات صاحب‌نظران در دستور جلسه شورا قرار گرفته است.

◀ مصطفی جهانبانی:

سند راهبردی جامعه در دوره عضویت من در شورای عالی و به‌عنوان رییس شورا به تصویب رسید. در پی تصویب سند راهبردی، کارگروه‌های ده‌گانه تحقق محورهای فوق تشکیل و هر یک از اعضای شورای عالی دوره چهارسال نیز مسئولیت هماهنگی و پیگیری‌های روند تحقق موضوع را عهده‌دار شدند. علی‌رغم وجود محدودیت‌های جدی و سیاست‌های متفاوت

حاکم بر بخش اقتصادی کشور در سال‌های اخیر و عدم ارزیابی مستقل موضوع، در حد اطلاعات در دسترس جامعه روند مناسبی را در تحقق محورهای مزبور طی نموده است. هم‌چنین طبق اطلاع، جامعه‌ی حسابداران در سال جاری به بازنگری سند مزبور اهتمام ورزیده است.

«رحمت‌اله صادقیان:

در شوراهای عالی چهارم تا هفتم سند راهبردی در مباحث شورا همواره مورد توجه قرار داشته است و برای پایش میزان تحقق اهداف تعیین‌شده برنامه‌های عملیاتی میان‌مدت تدوین شده بود. هریک از اعضای شورا نیز مسئولیت یکی از برنامه‌ها را به‌عهده گرفته بود و در این زمینه اقدامات خوبی انجام شد. پاره‌ای اهداف با شاخص‌هایی مطلوب تحقق یافته و پاره‌ای نیز باید در بازنگری سند راهبردی بار دیگر مورد توجه قرار گیرند. به طور کلی، در تدوین یک برنامه برای یک دوره قرار نیست تمامی استراتژی‌های راهبردی تعریف شود و انتظار داشت تمامی راهبردها تحقق یابد، بلکه باید متناسب با طول دوره و میزان مساعد و نامساعد بودن عوامل محیطی و میزان اثرگذاری متغیرهای برون‌زایی که خارج از اراده‌ی ما عمل می‌کند، به بررسی میزان تحقق اهداف پرداخت و با تدوین گزارش وضع موجود و شناسایی وضع مطلوب، با تحلیلی واقع‌بینانه برنامه‌ریزی‌های مناسب با هدف پر کردن شکاف پدیدآمده و تحقق وضع مطلوب اقدام‌های مقتضی را انجام داد. همان‌گونه که توضیح داده شد، در حوزه‌ی آموزش اقدام‌های بسیار خوبی صورت گرفته است. چالش‌های مربوط به توسعه‌ی بازار کسب‌وکار با محدودیت‌های اساسنامه‌ای مواجه شده است. همچنین برخی چالش‌های بازار سرمایه، بازار پول، و فن‌آوری‌های نوین کم‌ابن به قوت خود باقی است. اگرچه این چالش‌ها کاهش یافته لیکن محدودیت‌ها همچنان مانع سرعت‌بخشیدن در انجام امور هستند. همچنین در زمینه‌ی ارتباط مستمر با تشکل‌های حرفه‌ای بین‌المللی نیز می‌دانیم که این امر به دلیل محدودیت‌ها میسر نشده است.

در مجموع، سند راهبردی با توجه به موارد یادشده نیاز به بازنگری دارد و امید است شورای کنونی با استفاده از نظرات صاحب‌نظران و طرح موضوع در شورای ادوار و استفاده از نظرات اعضا به این اقدام دست بزنند. در این زمینه پیشنهاد می‌کنم با توجه به تغییرات محیطی، به تدوین برنامه‌های میان‌مدت ۳ تا ۵ ساله اقدام شود و همه‌ی ارکان جامعه در تحقق اهداف تعیین‌شده و چشم‌انداز پیش رو کمک کنند.

«هوشنگ نادریان:

در مورد تحقق اهداف ۱۰ گانه باید گفت:
در هدف اول «توسعه‌ی فرهنگ حسابداری، حسابخواهی

و خدمات اعتبار بخشی»، اقداماتی از ابتدای فعالیت جامعه به عمل آمده ولی با وضع مطلوب که ایجاد زیرساخت‌های ضروری، شناساندن حرفه، ارتباط با محیط‌های علمی و ارکان سیاست‌گذاری و ترویج آگاهی‌های عمومی و تقویت جامعه است فاصله قابل توجه داریم و کار زیادی باید انجام شود.

در هدف دوم «ساماندهی و گسترش تشکیلات حسابداران رسمی»، جهت ساماندهی اولیه، اقداماتی به‌عمل آمده اما در مورد ایجاد زمینه‌ی مناسب برای رشد مؤسسات حرفه‌ای کارآمد و سازماندهی فعالیت‌ها و تنظیم ضوابط جهت ارائه‌ی خدمات اعضا به صورت منسجم و تنظیم امور و روابط بین شرکا، هنوز مشکلات جدی داریم.

در مورد هدف ۳ «گسترش بازار و تنوع خدمات حرفه‌ای»، بازار اعضای جامعه نسبت به ابتدای تاسیس جامعه رشد کمی جدی داشته هرچند در صورت به فعل درآمدن کلیه‌ی ظرفیت‌ها می‌توانست چند برابر این باشد. در زمینه‌ی تنوع بخشی به خدمات حرفه‌ای موفق نبوده ایم و هنوز بر خلاف اکثر مؤسسات حسابرسی دنیا، بخش عمده یا تمامی درآمد مؤسسات محدود به خدمات حسابرسی مستقل و بازرسی قانونی است که این امر ناشی از عدم شناساندن ظرفیت‌های حرفه در ارائه‌ی خدمات متنوع و عدم کسب دانش و مهارت‌های لازم توسط حسابرسان برای این امر می‌باشد.

در مورد هدف چهارم «بهبود و تقویت مستمر کیفیت خدمات حرفه‌ای»، همان‌طور که در سوال ۳ پاسخ داده شد بهبود کیفیت از نیازهای اساسی حرفه است و اقدامات انجام شده تاکنون در زمینه رفع عقب افتادگی تکنولوژیکی حرفه موفق نبوده و فاصله عمده‌ای با دنیای پیشرفته پیدا کرده ایم. انجام حسابرسی بر مبنای مدل ریسک، استفاده از IT در حسابرسی و نزدیکتر شدن به استانداردهای بین‌المللی و مطالبه کیفیت مطلوب از طرف جامعه و سایر نهادهای نظارتی می‌تواند موجب بهبود کیفیت خدمات حرفه شود.

در مورد هدف ۵ «ارتقاء نظارت بر عملکرد اعضا و کنترل کیفیت خدمات حرفه‌ای»، قطعاً نسبت به سال‌های اول ایجاد جامعه همان‌طور که در سوال قبل پاسخ داده شد، پیشرفت کرده‌ایم لکن هنوز با نظارت محتوایی بر جنبه‌های مختلف حسابرسی فاصله معناداری داریم. ضمن آن‌که تعدد مراکز نظارتی و فقدان معیارهای ناهماهنگ نظارتی، بازنگری روش‌های کنترل کیفیت در جهت مطالبه کیفیت مطلوب خدمات حرفه‌ای و ایجاد ضمانت اجرایی جهت آن را الزامی می‌سازد.

در مورد هدف ۶ «ارتقای اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی»، چون مرجع استانداردگذاری متفاوت از جامعه است، لذا مشارکت فعال‌تر در زمینه‌ی تدوین اصول و ضوابط حرفه، تقویت مرکز تحقیقاتی جامعه، تقویت نظام پرسش و

نهاد ناظر بر حرفه‌ی حسابرسی

۴

طی سال‌های اخیر وزارت امور اقتصادی و دارایی و مجلس شورای اسلامی، به دنبال تأسیس نهاد ناظر بر ارائه‌ی خدمات حسابرسی بوده‌اند. با توجه به حضور جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران به‌عنوان نهاد قانونی ذی‌ربط که مسئولیت اصلی نظارت بر کیفیت خدمات حسابرسی ارائه شده توسط اعضای خود را بر عهده دارد، چه توجیهاتی برای لزوم تأسیس نهاد مزبور به مراجع ذی‌ربط ارائه شده است؟ نظر شما در خصوص مزایا و مخاطرات تأسیس نهاد ناظر و آینده جامعه بعد از نهاد ناظر چیست؟

◀ سید رحمت‌اله اکرمی:

انتظام‌بخشی به حرفه‌ی حسابرسی ممکن است به‌صورت خودانتظامی (Self-regulation) به‌وسیله‌ی حرفه، خودانتظامی تحت نظارت عمومی به همراه پاسخگویی (Self-regulation with public oversight and accountability) و انتظام‌بخشی خارج از حرفه (External regulation) باشد. آشنایی با بازار فعالیت حرفه و دستیابی ساده‌تر به اطلاعات مربوط به آن، از مهم‌ترین نقاط قوت خودانتظامی توسط حرفه است. این موضوع، در خودانتظامی تحت نظارت عمومی از طریق ادای مسئولیت پاسخگویی و انجام فعالیت‌های نظارتی بیش‌تر تکمیل و تقویت می‌شود. مستقل بودن از حرفه نیز مهم‌ترین جنبه مثبت نهاد نظارتی خارج از حرفه است. نقش دولت در فرآیند انتظام‌بخشی، کسب اطمینان از دستیابی به اهداف حرفه به منظور حفظ منافع عمومی است.

در سال‌های نه‌چندان دور، در بسیاری از کشورهای دنیا اکثر مسئولیت‌های مرتبط با انتظام‌بخشی به حرفه واگذار شده بود؛ به‌طوری که این فرآیند به خودانتظامی نزدیک‌تر بود. با وجود این، به علت عدم اعتماد به خودانتظامی در حسابرسی به‌عنوان یک سازوکار مؤثر انتظام‌بخشی، در بسیاری از این کشورها نظام‌های انتظام‌بخش از طریق تأسیس هیأت‌های مختلف عالی انتظام‌بخش^۱ و افزایش نظارت عمومی تقویت شده‌اند، به‌طوری که این فرآیند از خودانتظامی فاصله گرفت. در حقیقت، تأسیس هیأت‌های مختلف عالی انتظام‌بخش در کشورهای مختلف (همچون هیأت گزارشگری خارجی^۲

پاسخ، زمینه‌هایی است که می‌تواند به بهبود شرایط کمک کند.

در مورد هدف ۷ «تقویت همکاری و تعامل با نهادها و مراجع ذی‌ربط»، نقص‌های جدی در زمینه مشارکت و تعامل با نهادهای مقنن، نهادهای نظارتی (مانند بورس)، متولی امور اقتصادی کشور و سایر ذی‌نفعان وجود دارد که می‌بایستی رفع شود.

در مورد هدف ۸ «حمایت از حقوق حرفه‌ای و منافع مادی و معنوی اعضا»، توفیق محتوایی در تحقق هدف، همکاری و تعامل با نهادهای ذی‌ربط است که تقویت آن بر حمایت از حقوق اعضا اثرگذار است. در زمینه رقابت سالم و تأمین استقلال حرفه‌ای اعضا، به دلیل کوچک بودن مؤسسات و ضعف نظارت، مشکلات جدی و لطمه زنده‌ای داریم و در افزایش میزان جلب مشارکت اعضای جامعه در زمینه‌های مختلف هم توفیق زیادی نداشته‌ایم.

در مورد هدف ۹ «ارتباط مستمر با تشکل‌های حرفه‌ای داخلی و بین‌المللی»، در بخش داخلی شاهد ارتباط گسترده با مجامع حرفه‌ای نیستیم و بیش‌تر رقابت احساس می‌شود تا تعامل، در صحنه‌های بین‌المللی نیز بخشی از عدم توفیق‌ها را می‌توان منتسب به تحریم‌ها دانست که در صورت رفع آن امکان ارتباط بیش‌تر وجود خواهد داشت. در زمینه تبادل تجربیات و انجام تحقیقات مشترک شاهد کار خاصی نیستیم ضمن آن‌که در زمینه‌ی فتح بازارهای کشورهای اطراف و به‌ویژه هم‌زبان‌ها اقداماتی را شاهد نبوده‌ایم.

در مورد هدف ۱۰ «تقویت ساختارها و نظام‌های داخلی جامعه»، اقدامات اولیه انجام شده لکن پاسخگویی به اشکالات و ضعف‌ها و تهدیدها، ساختار منعطف و توانمندتری را می‌طلبد و لذا بازنگری مستمر ساختارها و ضوابط و مقررات و استفاده از فن‌آوری‌های نوین می‌تواند زمینه بهبود ساختارها و نظام‌ها را فراهم نماید.

◀ عباس هشی:

سند راهبردی خیال خام است، زیرا اساسنامه‌ی کنونی دست اعضای شورای عالی را بسته است. همه‌ی تغییرات در اساسنامه در دست وزارت دارایی است. تلاش چند ساله‌ی تغییر استاندارد را با یک جمله‌ی ساده هوا کرده‌اند. یکبار بلکه حداقل دو سه بار شورای عالی چهارم با ترکیب اکثریت حسابدار رسمی شاغل (مجریان واقعی قانون ماده واحده) و حضور حداقلی از غیرشاغلین پایبند به قانون ماده واحده تا حدودی توانستند تصمیمات مغایر با قانون را به تأخیر بیندازند و البته هزینه‌ی این تقابل را در هم پذیرفتند؛ از جمله تعلیق تذکر با درج در پرونده برای رئیس و دبیرکل وقت را پذیرفتند. این روند اما در شوراهای بعد ادامه نیافت.

1. Super regulatory bodies
2. External Reporting Board

(XRB) در نیوزیلند، شورای گزارشگری مالی^۳ (FRC) در انگلستان، هیأت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام^۴ (PCAOB) در آمریکا، هیأت نظارت بر حسابداری و حسابداران رسمی^۵ (CPA AOB) در ژاپن، کمیسیون ناظر بر حسابرسان^۶ (AOC) در آلمان، هیأت حسابداری عمومی^۷ (CPAB) در کانادا، کمیسیون سرمایه‌گذاری و اوراق بهادار^۸ (ASIC) در استرالیا) به‌منظور نظارت بر حسابرسان، حاکی از آن است که اعتماد عمومی به حسابرسان و خودانتظامی به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است. دلیل این ادعا آن است که تمامی این هیأت‌ها برای مطرح کردن قواعد خاص برای حسابداری و وضع شرایط ارائه‌ی مجوز به حسابرسان قدرت عالی دارند و می‌توانند نظارت سالانه بر مؤسسات حسابداری اعمال کنند. همچنین، به هیأت‌های مذکور این قدرت داده شده است که در صورت تخلف یا عدم کاربرد صحیح استانداردهای حرفه‌ای برای حسابداری توسط مؤسسات حسابداری، بهترین اقدام انضباطی را در مورد آن‌ها اعمال کنند.

بنابراین، به‌طور خلاصه می‌توان گفت که با مشخص شدن نارسایی‌های خودانتظامی (از جمله رسوایی‌های بزرگ مالی ابتدای قرن بیست و یکم) و به دنبال آن افزایش انتظارات نسبت به کیفیت حسابداری و کاهش اعتماد عمومی به حرفه، در بسیاری از کشورها قوانینی برای خارج کردن انتظام‌بخشی به حرفه‌ی حسابداری از حالت خودانتظام، وضع و اجرا شده است، به‌طوری که در بیش از ۵۰ کشور ۹ دنیا، سازمان‌های دولتی برای نظارت مستقیم و یا غیرمستقیم بر حرفه‌ی حسابداری ایجاد شد.

تاکنون در بیش از ۵۰ کشور و منطقه جغرافیایی در جهان که بخش اعظم اقتصاد جهانی را شکل می‌دهند، خود انتظامی حرفه‌ی حسابداری توسط انجمن‌های حرفه‌ای را کافی ندانسته‌اند و با تشکیل نهادهای دولتی مستقل از حرفه، نظارت بر حرفه‌ی حسابداری شامل تأیید حسابرسان و مؤسسات،

3. Financial Reporting Council
4. Public Company Accounting Oversight Board
5. Certified Public Accountants and Auditing Oversight Board
6. Auditor Oversight Commission
7. Canadian Public Accountability Board
8. Australian Securities and Investments Commission

۹. در بسیاری از کشورهای دنیا نهادهای مستقل که اکثراً دولتی هستند برای نظارت بر حرفه ایجاد شده‌اند. از بین آن‌ها، نهادهای ۵۰ کشور عضو انجمن بین‌المللی انتظام‌بخشان مستقل بر حسابداری (International Forum of Independent Audit Regulators) هستند. این کشورها شامل امارات (ابوظبی و دبئی)، آلبانی، استرالیا، اتریش، بلژیک، بوتسوانا، برزیل، بلغارستان، کانادا، جزایر کیمین، تایوان، کرواسی، قبرس، جمهوری چک، دانمارک، مصر، فنلاند، فرانسه، آلمان، جبل‌الطارق، یونان، مجارستان، اندونزی، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، جزری، کره، لیختن‌اشتاین، لیتوانی، لوکزامبورگ، مالزی، موریتس، هلند، نیوزیلند، نروژ، لهستان، پرتغال، روسیه، سنگاپور، اسلواکی، افریقای جنوبی، اسپانیا، سری‌لانکا، سوئد، سوئیس، تایلند، ترکیه، انگلستان و آمریکا می‌باشند.

کنترل کیفیت، اقدامات انضباطی، و بعضاً تدوین استانداردهای حسابداری و حسابداری را انجام می‌دهند. این کشورها شامل آمریکا، ژاپن، آلمان، انگلیس، فرانسه، ایتالیا، برزیل، کانادا، کره، استرالیا، و... می‌شود که بخش عمده اقتصاد جهانی را تشکیل می‌دهند. در اکثر کشورهای یاد شده، اعضای هیأت راهبری نهاد نظارتی نه تنها مجاز به اشتغال در حرفه نیستند، بلکه عضو جوامع حرفه‌ای آن کشور نیز نباید باشند. دلیل این موضوع حفظ استقلال هر چه بیشتر اعضای نهاد ناظر از حرفه می‌باشد. در برخی کشورها نظیر آمریکا، کانادا، فرانسه، ایرلند، ژاپن، مالزی و سنگاپور اعضای حرفه‌ای می‌توانند در ترکیب هیأت راهبری نهاد نظارتی حضور داشته باشند اما درصد این اعضا در هیچ کشوری قابل ملاحظه نیست. انتخاب اعضا در عموم کشورها توسط دولت صورت می‌گیرد و این فرآیند در هیچ کشوری متاثر از حرفه و افراد حرفه‌ای نیست.

در ایران تا پیش از سال ۱۳۷۸ سازوکار مشخصی برای نظارت بر حسابرسان وجود نداشت. در این سال جامعه‌ی حسابداران رسمی به‌منظور تنظیم امور و اعتلای حرفه حسابداری و حسابداری در کشور و نظارت حرفه‌ای بر حسابداران رسمی تأسیس شد. طبق اساس‌نامه جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران، شورای عالی، هیأت‌مدیره و هیأت عالی نظارت، ارکان اصلی آن محسوب می‌شوند. در عمل، شورای عالی و هیأت‌مدیره، هیأت راهبری جامعه هستند و هیأت عالی نظارت بر این دو رکن نظارت می‌کند. اعضای شورای عالی از میان اعضای جامعه توسط اعضا انتخاب می‌شوند (البته رئیس هیأت عالی نظارت یا یکی از اعضای هیأت یاد شده به همراه سه نفر به نمایندگی از دولت بدون حق رأی در جلسات شورای عالی جامعه شرکت می‌کنند). اعضای هیأت‌مدیره نیز از بین اعضای جامعه توسط شورای عالی انتخاب و با حکم رئیس این شورا منصوب می‌شوند. هیأت عالی نظارت تنها رکن جامعه است که توسط وزیر امور اقتصادی و دارایی از میان حسابداران رسمی عضو جامعه تعیین می‌گردد. بنابراین، با توجه به فرآیند گزینش اعضای این ارکان، می‌توان دو رکن اول جامعه حسابداران رسمی (شورای عالی و هیأت‌مدیره) را حرفه‌ای و رکن سوم آن (هیأت عالی نظارت) را حرفه‌ای-عمومی دانست. به‌طور خلاصه، تمامی اعضای ارکان اصلی جامعه از بین اعضای جامعه انتخاب می‌شوند که بر اساس تجربه سایر کشورها فاقد استقلال کافی برای نظارت بر حرفه هستند. حال این پرسش مطرح می‌شود که در زمانی که تقریباً در بیش تر کشورها دوران خودانتظامی به‌سر آمده است، حرفه‌ی حسابداری در ایران باید به سمت خودانتظامی صرف حرکت کند و به دنبال کاهش نظارت دولت باشد یا باید همچون سایر کشورها با تجدید نظر در قوانین و مقررات، نظارت دولت بر این حرفه تقویت شود؟ اصولاً طرفداران نظارت بر بازار بر این عقیده‌اند



«نظام جامع حسابرسی و حسابداری» و لایحه‌ی «تشکیل سازمان تنظیم مقررات و نظارت بر امور حسابرسی» هر دو با اهداف مشترک و یکسان و ظاهراً برگرفته از ادبیات ملهم از تحولات جهانی در حوزه‌ی نظارت بر امر حسابرسی از طریق ایجاد نهاد ناظر بیرونی به جریان افتاد. اما نگاه جهت و نتایج متصوره این دو نشانگر نگاه متفاوت تدوین‌کنندگان است.

به نظر من طرح و لایحه با هیجان بسیار و موازی با آدرسی اشتباه جامعه را هدف قرار داد. نکته‌ای که درباره‌ی «طرح» و «لایحه» به نظر می‌رسد این است که اگر هدف اصلی هر دو ارتقای شفافیت مالی و پاسخ‌گویی در محیط کسب‌وکار بوده، باید پرسید بر مبنای کدام شیوه‌ی طرح مسأله، بازآرایی و تجدیدساختار در میان گستره‌ی محیط اقتصادی، نظام حسابداری و حسابرسی کشور برای این منظور اولویت پیدا کرده است؟ با حضور در جلسات متعدد در این زمینه به نظر من در اسناد مزبور جامعیت و شناخت کاملی از حرفه وجود نداشته و با لحاظ نظرات پراکنده‌ی اشخاص و تحت ملاحظات بخش عمومی و دولتی تدوین شد. با این حال نکات مثبتی در میان اسناد مزبور وجود دارد که در پیشنهادهای جامعه مثل نظارت بر کیفیت حسابرسی بنگاه‌های بخش عمومی و استقلال جایگاه استانداردها در نهاد ناظر مطرح بوده است. به نظر من کاستی‌های بزرگ‌تر ریشه در حرفه ندارد و ایجاد سازمان‌هایی جدید ولو مشابه کشورهای پیشرفته، صرفاً بر تناقض‌های موجود می‌افزاید و سال‌ها انباشت سرمایه‌ی شکل‌گیری نهاد حرفه‌ای را به خطر می‌اندازد.

◀ مصطفی جهانبانی:

مبحث نهاد ناظر الگو گرفته از تغییرات در نظام نظارت بر حرفه‌ی حسابرسی در کشورهای پیشرفته بوده که با توجه به اقدامات شکل گرفته از سوی مرجع قانون‌گذار و آرایه طرح ساماندهی جامع حسابداری و حسابرسی توسط نمایندگان مجلس و با وجود هماهنگی بین قوای مجریه و مقننه در اصلاح قانون فعلی، امیدواری وجود دارد که این اقدامات منتج به تصویب قانون متناسب با نیازهای کلان کشور در این حوزه و ارتقا جایگاه حرفه حسابداری و حسابرسی گردد.

◀ رحمت‌اله صادقیان:

موضوع نهاد ناظر بر حرفه‌ی حسابرسی در راستای تکالیف مجمع سازمان حسابرسی در دوره‌ی تصدی آقای طیب‌نیا در وزارت امور اقتصادی و دارایی بوده است. پس از ایشان هم وزرای بعدی پیگیر مسأله بودند و کارگروهی نیز از این بابت تشکیل شد. جامعه نمی‌توانست نسبت به این موضوع، بی‌تفاوت باشد و با مطالعه‌ی وضعیت سایر کشورها، نهاد ناظر بر حرفه‌ی حسابرسی در ۵۱ کشور از این حیث مطالعه و

که به دلیل شکست بازار، نظارت در جهت منافع عمومی است و می‌تواند رفاه عمومی را افزایش دهد. نقش دولت در فرآیند انتظام‌بخشی به حرفه‌ی حسابرسی نیز کسب اطمینان از دستیابی به اهداف مقررات حرفه در جهت منافع عمومی است. با این توضیح، هدف از ایجاد نهاد ناظر، تلاش در راستای الگوبرداری از تجربیات موفق در سایر کشورها و نهایتاً تأمین منافع عمومی است. قطعاً این موضوع برای جامعه‌ی حسابداران رسمی مزایای متعددی خواهد داشت. ارتقای جایگاه حرفه‌ی حسابرسی به واسطه افزایش اعتماد عمومی از جمله این مزایا است. البته، ایجاد نهاد ناظر به معنای کمرنگ شدن نقش جامعه‌ی حسابداران رسمی نیست، بلکه مشارکت فعال‌تر در تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی، آموزش و... را به همراه دارد.

◀ سعید جمشیدی‌فرد:

موضوع اصلاح ساختار جامعه و ارتقای سطح نظارت حرفه‌ای همواره در دستور کار شورای عالی جامعه بوده ولی محدودیت‌های دسترسی، بی‌تمایلی و حتی اشکال تراشی مراجع تصمیم‌گیر در دولت و همچنین مجلس مانع اصلی در طرح پیشنهادهای حرفه بوده است. تقریباً در اغلب دوره‌های شورا این امر مطرح و نسخ اختصاصی اساسنامه‌ی پیشنهادی جهت تصویب در هیأت دولت وجود دارد. پس جامعه خود پیش‌قدم در اصلاحات بوده است. اما این موضوع زمانی برجسته و مورد توجه قرار گرفت و موجب نگرانی شد که طرح

بررسی شد. گزارش شناخت مطلوبی نیز تنظیم شد. کمیسیون اقتصادی مجلس نیز نسبت به این موضوع ورود پیدا کرد و با مطالعه‌ی کامل مستنداتی که از این بابت و بالغ بر ۵۰۰ صفحه که تنظیم شده بود چند جلسه‌ای با کمیسیون اقتصادی مجلس برگزار شد و نظرات سازمان بورس و اوراق بهادار نیز نظرات آن‌ها اخذ و در نهایت با اخذ نظر صاحب‌نظران حرفه گزارش جامعی تنظیم شده و در اختیار مبادی ذی‌ربط قرار گرفته است.

طبیعی است که جامعه‌ی حسابداران رسمی نمی‌باید و نمی‌تواند نسبت به این موضوع بی‌تفاوت باشد. لذا از شروع بحث، از مقطع دوره‌ی شورای عالی ششم فعالانه در این موضوع درگیر بود و تلاش کرد وظیفه‌ی خود را به‌خوبی ایفا کند. طبیعی است که در شرایطی که مراجع دیگر در این زمینه تصمیم‌گیری می‌کنند، جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران هم باید فعالانه در مباحثات مشارکت داشته باشد. طرح نظام جامع حسابداری و حسابرسی در قالب یک سازمان نظارتی با هدف توسعه‌ی حرفه حسابداری و حسابرسی، بسترسازی توسعه‌ی استفاده از فن‌آوری اطلاعات و فن‌آوری‌های نوین در حسابداری و حسابرسی، تصویب، ابلاغ، اشاعه و صیانت از استانداردهای حسابداری، حسابرسی و آیین رفتار حرفه‌ای، نظارت بر فعالیت حرفه‌ای مؤسسات حسابرسی و سازمان حسابرسی، کنترل کیفیت گزارش‌های حسابرسی مؤسسات، رتبه‌بندی مؤسسات، آموزش و تحقیقات در زمینه‌ی حسابداری، حسابرسی و سایر موارد مورد نیاز و ... پیشنهاد شده، رسالت آن تعریف شده و حوزه نظارت و تدوین استانداردها از حوزه‌ی ارائه‌ی خدمات حسابرسی منفک شده است.

در این زمینه، تلاش شده با توجه به مطالعه‌ی تجارب جهانی و گزارش شناخت سایر کشورها، تفکیک مناسبی در وظایف صورت پذیرد. موضوع نهاد ناظر اقتباس از تغییرات در حوزه‌ی نظارت بر حرفه‌ی حسابرسی در سایر کشورها و به‌ویژه کشورهای پیشرفته‌ی سرمایه‌داری است.

در این چارچوب باید به این می‌بخت هم اشاره داشت که استفاده از خدمات صاحب‌نظران حرفه‌ای در تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، طی دوره‌ی ۲۰ ساله اخیر به فراخور از خدمات صاحب‌نظران در بازار پول و سرمایه و در پیشنهاد اصلاح قوانین مالی و مالیاتی و یا در حوزه‌های پژوهشی استفاده شده است. لیکن با توجه به جایگاه جامعه و توانایی و دانش حرفه‌ای اعضای جامعه این میزان مشارکت کافی و مطلوب نبوده است. در این زمینه، باید رابطه‌ای دوطرفه و دایمی بین ستاد جامعه و کارشناسان حرفه‌ای تعریف کرد. نیاز نیست در انتظار سایر مراجع بود بلکه باید صاحب‌نظران در صورت احساس نیاز حرفه‌ای در مباحثات کارشناسی حضور و مشارکت مؤثر داشته باشند. جامعه‌ی حسابداران در این زمینه

باید به شکل مؤثری نقش‌آفرینی کند تا مراجع تصمیم‌گیری در کشور از اعضای جامعه به‌عنوان یک بازوی مؤثر و آگاه کارشناسی بهره ببرند. ما باید در تمامی زمینه‌های حرفه‌ای چه ما را مشارکت دهند و چه حتی به ما بی‌اعتنایی کنند، با توجه به دانش و آگاهی و توانایی اعضا تأثیرگذاری داشته باشیم.

خروج از درون‌گرایی حرفه‌ای و فردی و معرفی توانایی اعضای جامعه، و توجه ویژه به اعضای جوان‌تر در کنار چهره‌های باتجربه‌تر جامعه می‌تواند زمینه‌های مشارکت جامعه را در سیاست‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها افزایش دهد. بدین ترتیب، لازم است جامعه در هر موضوعی که با قوانین مالی، مالیاتی، بازار پولی و سرمایه و ... مرتبط می‌شود، ضمن بررسی کارشناسی آن در کارگروه‌های حرفه‌ای جامعه و همراهی با سایر تشکلهای حرفه‌ای و استفاده از توان همه‌ی حوزه‌ها، صاحب‌نظران مربوط به هر حوزه را شناسایی و نسبت به معرفی آن‌ها به مراجع ذی‌ربط اقدام کند. میزان مشارکت به میزان علاقه، حضور به‌موقع و توانایی جمعی حرفه‌ای ما مربوط می‌شود.

در یک کلام این کار با خروج از عزلت حرفه‌ای و اجتماعی و حضوری پررنگ در شأن یک جامعه‌ی حرفه‌ای در حوزه‌های مرتبط انجام می‌شود.

◀ هوشنگ نادریان:

همان‌طور که در پاسخ سوال‌های قبلی مطرح شده جامعه دچار تعدد مراکز نظارتی شده که برآیند آن موجب تقویت جامعه و رفع نقاط ضعف آن نشده است. تنوع در برخوردهای انضباطی با اعضای جامعه، عدم پذیرش نظارت جامعه به‌عنوان مرجع مستقل توسط سایر مراجع، فاصله گرفتن کشورهای پیشرفته از خودانتظامی نهادها و ضرورت تقویت نظارت با ارتباط نزدیکتر با حاکمیت، فشار دستگاه‌های مورد حسابرسی جهت نفوذ در سازوکار صدور گزارش و انحراف آن به طرف گزارش مطلوب بدون فراهم کردن زمینه‌های آن، کمبود بازار کار، رقابت ناسالم موجود، ضعف ساختار حرفه‌ای مؤسسات و روحیه انفرادی شرکا و بسیاری از مشکلات دیگر، عدم اثربخشی و کارایی نظام نظارتی را محرز نموده لذا باید جهت رفع این مشکل اساسی اقداماتی کرد. البته ایجاد نهاد نظارتی در صورتی که فاقد عوامل اصلی شکل‌دهنده‌ی آن (مانند جایگاه و ساختار قانونی، مدیریت، حیطه‌ی نظارت و اختیارات) باشد طبیعتاً مشکلی از حرفه حل نخواهد کرد و لذا در صورت ایجاد باید نهادی با کیفیت مطلوب شکل گیرد. در مورد آینده جامعه پس از تشکیل نهاد ناظر هم همان‌طور که در سایر کشورها شاهد هستیم نهاد ناظر نقش مکمل را داشته و جایگزین مجامع حرفه‌ای نشده است. در مورد جامعه هم عملاً بخش هیأت عالی نظارت از جامعه خارج و بقیه

وظایف و اختیارات جامعه حتی در زمینه‌ی نظارت حرفه‌ای بر اعضا باقی می‌ماند.

◀ عباس هشی:

در طرح آقای دکتر پورا بر ایمی (کمیسیون اقتصادی مجلس) تا حدود ۹۰ درصد احیای حرفه‌ی حسابرسی مستقل، و خاتمه دادن به حاکمیت بخشنامه‌های وزارتی است. متأسفانه لایحه‌ی پیشنهادی سازمان حسابرسی عملاً جامعه را به سمت کاهش کسب و کار برای اعضا، برگشت به دوران قبل از ماده واحد و جان کلام همه‌کاره بودن حسابرسی دولتی، سلب بیش‌ترین کسب و کار از اعضای جامعه و سلب خود انتظامی جامعه می‌برد. در این زمینه شورای عالی باید تعلل نکند و با یک برنامه‌ی تحول‌خواهانه جامعه را از این وضعیت نجات دهد.

◀ سعید جمشیدی فرد:

با وجودی که ما موضوعات را طی دو دهه‌ای که از تأسیس جامعه بررسی می‌کنیم، لازم است یک دهه دیگر به عقب برگردیم. ماده واحد در دولت آقای هاشمی و در مجلس چهارم تصویب شد به‌ترتیبی که در ماده واحد اثری از این امتیاز دیده نمی‌شود و به استناد تبصره‌ی یک آن آیین‌نامه تعیین صلاحیت در سال ۱۳۷۴ با لحاظ استثنا و معافیت از آزمون برای مدیران دولتی در همان دولت و اساسنامه‌ی جامعه در سال ۱۳۷۸ در دولت آقای خاتمی به تصویب رسید و بیست سال پیش پس از تشکیل مجمع در شهریور ۱۳۸۰، جامعه تاسیس شد. بنابراین تشکیل جامعه از نظر تاریخی، خود از نوادر قانون و مقررات‌گذاری تحت تاثیر تفکرات دولت‌ها و وزرای اقتصاد مختلف شکل می‌گیرد. با توجه به نقش و امضای مقامات دولتی، وجود تبصره‌ی ۳ را نباید عجیب دانست. به‌نظر من صلاحیت همکاران عضو بهره‌مند از تبصره‌ی ۳ می‌توانست در حوزه‌های ذیحسابی و بخش عمومی حرفه‌ای برجسته و معتبرتر و در قالب تشکیلی اختصاصی به‌کار گرفته شود و یا قاعده‌ی آزمون برای آنان نیز جاری می‌شد که تمایز و تبعیضی به‌نظر نرسد. مجوز چنین معافیتی به علاوه‌ی استثنائات دیگر مثل معافیت از بخشی از آزمون‌ها برای دکترا، اشتغال اعضای هیأت علمی و سپس ضوابط خاص برای برخی مؤسسات، ترکیب و شاکله‌ی متعارف نهاد حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار داد و اجتماعی از استثنائات را تحت عنوان حسابدار رسمی گرد آورد که از نظر حرفه‌ای یکسان تلقی می‌گردیم.

◀ مصطفی جهانبانی:

امتیاز لحاظ شده برای فعالان حرفه در بخش دولتی و عمومی در مقایسه با همکاران حرفه‌ای حسابداری و حسابرسی در بخش خصوصی موجب تبعیض شده و بهتر است موضوع به نحو مطلوب و در راستای رفع تبعیض اصلاح گردد.

ورود بدون آزمون به حرفه

V

طبق تبصره ۳ آیین‌نامه بند "ز" ماده ۳ "آیین‌نامه تعیین صلاحیت حسابداران رسمی و چگونگی انتخاب آنان"، مدیران دستگاه‌های اجرایی در سمت مدیر کل و بالاتر و یا هم‌تراز آنان که حداقل ۱۰ سال سابقه در ارتباط با امور حسابرسی، مالی، محاسباتی و مالیاتی تصدی داشته باشند، به تشخیص هیأت موضوع ماده یک آیین‌نامه مزبور، از شرکت و قبولی در آزمون‌های مهارتی حسابداران رسمی معاف و حسابدار رسمی شناخته می‌شوند. با توجه به تفاوت ماهوی امور تصدی‌گری یاد شده و مسئولیت‌های فنی، حرفه‌ای و قانونی حسابداران رسمی مندرج در اساسنامه و مقررات جامعه، این امتیازدهی چه مناسبی با مسئولیت‌های یاد شده و ارائه خدمات حرفه‌ای و تخصصی اعضای جامعه دارد.

◀ سید رحمت‌اله اکرمی:

قبل از این که به اصل موضوع بپردازم بایستی به چند نکته اشاره کنم. اول آن که، برای اطمینان از قابلیت‌های حرفه‌ای مدیران دستگاه‌های اجرایی، از ایشان مصاحبه علمی به‌عمل می‌آید تا قابلیت‌های حرفه‌ای آن‌ها مشابه داوطلبان آزمون کتبی ارزیابی شود. همچنین، این موضوع را باید عرض کنم که حسابرسی صورت‌های مالی، تنها محدود به واحدهای انتفاعی نیست. در حال حاضر واحدهای غیرانتفاعی و دولتی

رحمت‌اله صادقیان:

در خصوص پذیرش خارج از آزمون حسابداران رسمی طی سه دوره‌ی گذشته با توجه به جلساتی که هیأت محترم تشخیص صلاحیت حسابداران رسمی با اعضای شورا و سایر ارکان جامعه داشته‌اند و تصمیمات هیأت تشخیص و فرآیندهای تعریف شده در این زمینه، خوشبختانه ورودی اعضا خارج از آزمون به صفر رسیده است. در یکی از گزارش‌های فعالیت سالانه‌ی جامعه روند ۱۰ سال گذشته معرفی افراد انعکاس داده شده که نشان می‌دهد اعضای محترم هیأت تشخیص صلاحیت نیز بر این موضوع توجه کامل داشته و تلاش شده ورودی افراد صرفاً از طریق آزمون ورودی باشد که جای تقدیر و تشکر از اعضای هیأت محترم تشخیص صلاحیت است و از این بابت نیز ارتباط مطلوبی بین هیأت تشخیص و ارکان جامعه وجود دارد.

هوشنگ نادریان:

تصدی افرادی که سابقه مؤثری در حرفه‌ی حسابرسی ندارند، کمکی به حرفه نمی‌کند و آثار زیان بار آن را در مواردی شاهد بوده‌ایم. البته حساب افراد با شرایط ویژه از جمله اساتید دانشگاه و مسئولین تراز اول ذیربط که به دنبال کسب منافع از جامعه نیستند و حضورشان به صورت افتخاری می‌تواند به افزایش شأن جامعه‌ی حرفه‌ای کمک کند از حساب افرادی که چند سال در سمت مدیریتی بوده‌اند و برای دوران پس از خدمت دولتی به دنبال کسب این عنوان هستند متفاوت است. هیأت تشخیص صلاحیت به استثنای موارد تأیید در مقطع تشکیل جامعه، سعی در چارچوب دار نمودن آن نموده است. ارتقاء عنوان مدیر به مدیرکل، انجام ثبت نام، بررسی شرایط، انجام مصاحبه فنی و... از اقداماتی است که در جهت شناسایی افراد واجد شرایط انجام شده است. هرچند ترجیح بر آن است که این افراد نیز مشابه دیگران در آزمون شرکت نموده و صلاحیت خود را با قبولی در آزمون، مشابه سایر داوطلبین اثبات کنند.

عباس هشی:

متأسفانه نسل جوان برای حسابداران رسمی شدن باید زحمت و سختی زیاد، تجمیع سال‌ها کار و تجربه را تحمل کند. (شاید دو یا سه برابر زحمت و صبر برای پزشک شدن). آن‌گاه تازه مواجه شود با مشکلات تحمیلی ناشی از حضور افراد فاقد صلاحیت علمی برای امر آموزش و آزمون آن‌هم در شرایط حضور حسابدار رسمی رانته (مدیر دولتی بدون آزمون و حتی سابقه‌ی کار حسابرسی واقعی) که به وفور وجود دارد. این وضعیت دل خوشی برای حسابدار رسمی شدن باقی نمی‌گذارد.

محیط فعالیت حسابرسان



حسابرسی از جمله ابزارهای نظارت مالی در برقراری سلامت و انضباط مالی، شفافیت اطلاعاتی و پاسخ‌گویی مسئولین در قبال استفاده از منابع در اختیار آن‌ها است. در غیاب وجود زیرساخت‌های لازم مانند فرهنگ پاسخ‌گویی، قانون‌گرایی، اخلاق‌گرایی، شایسته‌سالاری و مبارزه قاطع با فساد و رانت‌خواری توسط دستگاه‌های ذی‌ربط، تا چه حد حسابرسان قادر به ایفاء مسئولیت‌های حرفه‌ای و تخصصی خود می‌باشند؟

سید رحمت‌اله اکرمی:

به عقیده‌ی بنده، همه‌ی کشورها بدون در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و زیرساخت‌ها، به گزارشگری مالی قوی و نظارت اثربخش و مستقل حرفه‌ی حسابرسی نیاز دارند. هرچند، عدم وجود زیرساخت، باعث کند شدن حرکت رو به رشد حرفه می‌گردد ولی نباید این حرکت را متوقف ساخت. در واقع، بایستی از طریق مراقبت ویژه و دقیق و به‌کارگیری نیروهای با انگیزه و حرفه‌ای، این کمبودها را جبران نمود و به اصطلاح، تهدیدها را تبدیل به فرصت رشد کرد. البته، در مواردی که تجارت معمولاً از طریق شبکه‌ی ارتباطات و وابستگی‌های مبهم انجام می‌شود، حسابرسان ممکن است با صاحبکاران یا سایر ذی‌نفعان، نزدیکی یا وابستگی غیررسمی داشته باشند که انگیزه آن‌ها را برای به چالش کشیدن صاحبکارانشان به خطر بیندازد. افزون بر این، بازار حسابرسی برای کیفیت حسابرسی، اهمیت کم‌تری قائل است و معمولاً کیفیت حسابرسی به اندازه‌ی کافی تشخیص یا پاداش داده نمی‌شود. در این شرایط، حسابرسان می‌توانند به شدت وسوسه شوند که کیفیت را به خطر انداخته و رقبايشان را از طریق کاهش نرخ خدمات یا تأمین منافع صاحبکارانشان در دستیابی به نتایج حسابداری خاص تضعیف کنند. با این وجود، حرفه‌ی حسابرسی در ایران توانسته است بخش اعظم این محدودیت‌ها را با پیگیری مکرر و رویه‌های مختلف بر طرف نماید که مسلماً این موضوع در آینده نیز باعث توسعه‌ی حرفه خواهد شد.

سعید جمشیدی فرد:

همان‌طور که اشاره کردم، از آن‌جا که زنجیره‌ی تولید تا گزارشگری مالی و سپس گزارش حسابرسی به‌طور مشخص

تفکیک و مسئولیت‌های هر یک از بازیگران و عاملین این زنجیره روشن نیست، متأسفانه بعضاً مسئولیت و پاسخ عملکرد بخش‌های دیگر را نیز ممکن است از حسابرس مطالبه کنند. در نتیجه ایفای مسئولیت هم نسبی و متناسب با سطح آگاهی و تمایل ذی‌نفعان میسر است. ما باید تلاش کنیم تا حد ممکن مسئولیت‌ها و ابزارهای تحت اختیار خود را بشناسانیم و امیدوار باشیم زیرساخت‌های لازم نیز از سوی مراجع ذی‌ربط سریع‌تر فراهم شود.

◀ مصطفی جهانبانی:

قطعاً محیط فعالیت و فضای حاکم بر روابط تجاری و مالی و ساختار کنترل‌های داخلی بنگاه‌های اقتصادی از عوامل مؤثر در سلامت کار و شفافیت اطلاعات مالی بوده و موارد مذکور فراهم کننده بستر و شرایط لازم برای یک حسابرسی با کیفیت است و فقدان هر کدام می‌تواند باعث کاهش کیفیت و در نتیجه افزایش ریسک حسابرسی گردد. در این شرایط حسابرسی مبتنی بر ریسک و به‌کارگیری روش‌ها و شیوه‌های نوین از جمله روش‌های کشف تقلب می‌تواند اثر بخشی حسابرسان را افزایش دهد.

◀ رحمت‌اله صادقیان:

از عوامل مؤثر در سلامت کار و شفافیت محیط فعالیت و فضای کسب و کار و روابط تعریف شده‌ی مالی و تجاری و ساختار کنترل‌های داخلی بنگاه‌ها است. اگر نظم و انضباط مالی و اقتصادی وجود داشته باشد قطعاً شفافیت نیز وجود خواهد داشت و در کنار این دو عامل باور و اعتماد عمومی و اجتماعی نیز افزایش یافته و پاسخ‌گویی نیز امکان‌پذیر می‌گردد. همه‌ی عوامل یادشده فراهم‌کننده‌ی بستر و شرایط لازم برای یک حسابرسی باکیفیت و کاهش ریسک خواهد بود. در صورت نبود بسترهای مناسب، کیفیت ارائه‌ی خدمات کاهش یافته و ریسک حسابرسی نیز افزایش می‌یابد و در این شرایط حسابرسی مبتنی بر ریسک و به‌کارگیری روش‌ها و شیوه‌های نوین می‌تواند اثربخشی نظارت و گزارش حسابرسان را افزایش دهد.

◀ هوشنگ نادریان:

به‌طور یقین وجود زیرساخت‌هایی مانند فرهنگ پاسخگویی، قانون‌گرایی، اخلاق‌گرایی و شایسته‌سالاری و مبارزه با فساد در هر جامعه‌ای، تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر رشد کمی و کیفی حرفه‌ی حسابرسی دارد. اما باید توجه داشت که ضعف در وجود این ساختارها در کشور نمی‌تواند توجیهی برای بد عمل کردن حسابرسان باشد. فرد تا وقتی که تحت قسم حسابداران رسمی است می‌بایستی اخلاقیات حرفه را رعایت و کار خود با بهترین کیفیت انجام دهد. تخلفات حسابرسان موجب بدنامی حرفه و عدم اعتماد به آن می‌شود و این امر مشکلات حرفه را چند برابر

می‌کند. رعایت اخلاقیات و حفظ کیفیت کار، دشوار است اما باید برای آن تلاش کرد و تسلیم نشد. مقاومت افراد حرفه می‌تواند زمینه‌ی تقویت ساختارها را فراهم کند. این مقاومت و ارائه‌ی خدمات شایسته حرفه‌ای، خود زمینه ایجاد زیرساخت‌های لازم و ایجاد زمینه شفافیت و مبارزه با فساد را فراهم می‌کند.

◀ عباس هشی:

جان کلام آن که حسابرس درست‌کار که گزارش شفاف بدهند در عمل مجازات می‌شود و محرومیت از گرفتن کار. مدیران عصبانی از حسابرس مزبور مستقیم و غیرمستقیم مانع از گرفتن کار جدید توسط وی می‌شوند. مثلاً در مورد حسابرس درستکاری که در گزارشگری سودسازی در دو بانک در سال ۹۵ و ۹۶ عمل کرده بود تبلیغ کردند که «سختگیر است» و آن‌ها را عملاً از گرفتن کار حسابرسی بانک‌ها محروم شدند. یک خاطره‌ی جالب بگویم معاونت وزیر صنایع به حسابرس فرمودند: همه می‌گویند «شما حسابرس خوبی هستید اما شما با مدیران تعامل ندارید!» که به ایشان گفتم مگر حسابرس نسبت فامیلی شوهر خواهر، شوهر مادری با مدیر دارد؟ شما یادتان رفته که حسابرس و بازرس حسب الامر قانون تجارت ناظر بر عملکرد هیأت‌مدیره هستند و نه همسفر سیاحتی زیارتی ایشان؟!

ترکیب شورا

۹

شورای عالی جامعه به‌عنوان نهاد سیاست‌گذار و تدوین‌کننده‌ی نقشه راه دستیابی به اهداف راهبردی و عملیاتی جامعه، شامل ترکیبی از ۴ نفر حسابدار رسمی شاغل، ۴ نفر حسابدار رسمی غیرشاغل و ۳ نفر دیگر حسب کسب آرای بیش‌تر اعم از شاغل یا غیرشاغل، تعیین گردیده است. با توجه به این‌که حسابداران رسمی غیرشاغل، اشتغالات دیگری غیر از امور تخصصی و حرفه‌ای ویژه اعضای شاغل جامعه دارند، آیا به نظر شما ترکیب یاد شده برای پیشبرد اهداف راهبردی و عملیاتی جامعه و پاسخگویی به انتظارات حرفه‌ای اعضای مناسب است؟ فرصت‌ها و تهدیدهای ترکیب مزبور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

◀ سید رحمت‌اله اکرمی:

حضور افراد غیرشاغل در شورای عالی جامعه اساساً با هدف استقلال شورا نسبت به فعالان حرفه بوده است. در واقع، شورای عالی بایستی توسعه‌ی حرفه‌ای را پیگیری نماید و نباید درگیر



منافع زودگذر و اجرایی باشد. البته طبق مطالعات انجام شده، ترکیب افراد شاغل و غیرشاغل در برخی کشورها متفاوت است. برای نمونه در یکی از کشورهای توسعه یافته، از ترکیب ۱۲ نفره اعضای هیأت راهبری جامعه‌ی حسابداران رسمی، تنها ۲ عضو بایستی حتماً غیرشاغل باشند. از سوی دیگر، در کشورهایی که دارای نهاد ناظر بر حسابرسی هستند، اکثراً اعضای هیأت راهبری نهاد نظارتی نه تنها مجاز به اشتغال در حرفه نیستند، بلکه عضو جوامع حرفه‌ای آن کشور نیز نمی‌باشند. همچنین، در کشورهایی که حضور افراد حرفه‌ای در هیأت راهبری نهاد ناظر بر حسابرسی مجاز است، درصد این اعضا قابل ملاحظه نیست. با وجود این، در این زمینه جامعه می‌تواند پس از انجام مطالعات تطبیقی و بررسی‌های دقیق، پیشنهادهای اصلاحی خود را به وزارت امور اقتصادی و دارایی ارائه نماید. مسلماً این موارد در صورتی که از پشتوانه علمی و استدلال مناسبی برخوردار باشد، بررسی و پذیرفته خواهد شد.

◀ سعید جمشیدی فرد:

به نظر من این ترکیب در مقایسه با اساسنامه‌ی قدیم عملگرایانه و مناسب‌تر است. اما پیش از این تقسیم‌بندی باید توجه کنیم که شورای عالی مرجع سیاست‌گذاری است که اعضای آن به‌اعتبار رأی و اراده‌ی آزادانه‌ی اعضا انتخاب می‌شوند. تا پیش از شورای چهارم یکی از موضوعاتی که کیفیت آرای اعضا را پایین می‌آورد، رأی وکالتی بود. به عنوان مثال در انتخابات شورای سوم بالغ بر ۲۵ درصد آرای انداخته شده در صندوق، آرای وکالتی بود. این امر برای انتخاباتی که وکیل باید منافع عموم را نمایندگی کند سم است. از این‌روست که در انتخابات مجلس آرا فقط باید اصالتی باشد. به نظر من کسی که نامزد چنین رکنی می‌شود قطعاً باید تجربه‌ی قابل قبولی در کار حسابرسی تا بالاترین رده داشته باشد تا آثار سیاست‌گذاری و تصمیمات در شورا را بتواند درک کند. علاوه بر این عضو شورا باید شناخت خوبی از فضای کسب‌وکار، محیط مدیریتی، سازوکار اقتصادی و اجتماعی و از همه مهم‌تر تعهد به پذیرش مسئولیت اجتماعی و نمایندگی اعضا و منافع عموم و نه شخصی و گروه خاص را داشته باشد و متعهد باشد برای این مسئولیت وقت بگذارد. با این مختصات چه شاغل و چه غیر شاغل همه واجد شرایط هستند. اما در عمل ظن ایجاد تبعیض بین اعضای شاغل در سیاست‌گذاری و همچنین عدم رعایت غبطه‌ی منافع عموم اعضا و بهره‌مندی از برتری اطلاعاتی باعث شد تا مقررات‌گذار با شبهه‌ی کم‌تری نسبت به غیرشاغلین نصاب حداقل ۴ نفر را مقرر کند. با این اوصاف اگر به نتایج انتخابات چند دوره‌ی اخیر نگاهی بیندازیم می‌بینیم که به جز یک مورد استثنا که در دوره‌ی ششم یک نفر از غیر شاغلین واجد استفاده از این مقررات شد،

همواره نه‌تنها حداقل ۴ نفر غیر شاغل در ترکیب اعضا بوده‌اند بلکه پس از تصویب این مقررات طی سه دوره‌ی اخیر نفرات اول با فاصله‌ی قابل توجه با اولین نفرات شاغل منتخب انتخاب شده‌اند. بنابراین اعضا و حتی شاغلین که اکثریت رأی‌دهندگان را تشکیل می‌دهند هم بر دلایل الحاق حداقل چهار نفر صحه گذاشته‌اند.

◀ مصطفی جهانبانی:

اعمال محدودیت در نتایج آرای اعضا در انتخابات همیشه مانع انتخاب کاندیداها وفق رأی و نظر اعضا خواهد بود و به‌نظر من دسته بندی پیش بینی شده در مقررات جامعه برای ترکیب اعضای شورای عالی منطقی نبوده و اعضای جامعه بایستی بتوانند نماینده‌ی خود را حسب شناخت از عملکرد و ویژگی‌های کاندیداها خود انتخاب کنند.

◀ رحمت‌اله صادقیان:

دلیلی بر وجود چنین ترکیبی در اعضای شورای عالی وجود ندارد. اساسنامه‌ی جامعه در این بخش نیاز به اصلاح دارد. انتخاب اعضای شورا باید بر مبنای صلاحیت عملکرد، ویژگی‌ها و توانایی‌ها و توسط اعضای جامعه انتخاب شوند و دسته‌بندی اعضای منتخب شورا بر مبنای اساسنامه‌ی کنونی به شکل‌گیری ترکیبی منطقی نیست که مبین دیدگاه‌های جامعه‌ی حرفه‌ای باشد.

«هوشنگ نادریان:

حسابداران رسمی غیرشاغل همواره از ابتدای جامعه تعداد قابل توجهی را به خود اختصاص داده اند. لذا داشتن نماینده از آنان در شورای عالی امر غیر متعارفی نیست. ضمن آن که ترکیب تعیین شده نیز می‌تواند با رای اعضای جامعه که اکثریت شاغل هستند منجر به حضور حسابداران شاغل به عنوان اکثریت شود و این اکثریت در صورت شکل گرفتن می‌تواند حرفه را به سمت اهداف خود سوق دهد. لذا اعضای جامعه در زمان انتخاب شورای عالی در صورتی که تمایل به تفوق اعضای شاغل داشته باشند این امر میسر است و تهدید خاصی از بابت آن جامعه را تهدید نمی‌کند. در زمینه‌ی فرصت هم چون افراد غیر شاغل به نوعی استفاده‌کنندگان از خدمات حرفه‌ای حساب‌رسان شاغل هستند، می‌توانند با تبادل تجارب و تضارب آرا به غنای بیش‌تر تصمیم‌گیری‌ها و انتقال نظرات ذی‌نفعان به اکثریت شاغل شورای عالی کمک کنند.

«عباس هشی:

در سال‌های ۹۰ و ۹۱ که حساب‌رسان مستقل شورای عالی زیر بار شرایط تحمیلی نرفتند مدیران محترم دولتی این چیدمان محدود ترکیب شورای عالی را نوشتند، تا از حساب‌رسان شاغل و «مجربان واقعی قانون ماده واحد» تعداد کم‌تری در شورای عالی باشند.

بزرگ‌ترین مشکل جامعه خودزنی اعضای جامعه است البته (ناآگاهانه) با توسعه‌ی مؤسسات و با حضور شرکای جزیره‌ای، انجام همزمان کارهای مغایر کار حساب‌رسانی و دیگر خدمات برای مشتری واحد، بی‌توجهی هیأت انتظامی به شکایات، رسیدگی بی‌محتوا، و... به شهرت جامعه آسیب وارد می‌کنند.

تصدی به‌عنوان عضو و یا رئیس شورای عالی جامعه، برای پیشبرد وظایف و اختیارات مزبور با چالش‌ها و محدودیت‌های خاصی مواجه بوده‌اید؟ برای شورای عالی فعلی و شوراهای آتی و یا اصلاح دامنه‌ی وظایف و اختیارات فوق، چه پیشنهادی برای اجرای بهینه و یا رفع محدودیت‌های احتمالی دارید؟

«سید رحمت‌اله اکرمی:

همانند شورای عالی سایر جوامع حرفه‌ای حسابداری، مسئولیت پیشبرد امور استراتژیک بلندمدت، عملیاتی و مالی برعهده‌ی شورا است. شورا، پیامدهای قابل اندازه‌گیری را ارزیابی و تصویب می‌کند، پیشرفت‌ها را ارزیابی می‌نماید و اطمینان می‌دهد که منابع کافی برای دستیابی به اهداف مد نظر فراهم شده است. تمامی این موارد در وظایف و اختیارات مندرج در اساسنامه برای شورای عالی جامعه‌ی حسابداران رسمی، پیشبینی شده و مدنظر قرار گرفته است. گفتنی است، بهبود اطلاع‌رسانی در خصوص نیازها، علایق، نظرات و دیدگاه‌های اعضای جامعه، اطمینان از این‌که دیدگاه‌های مختلف در فرآیند تصمیم‌گیری لحاظ شده‌اند و ترغیب مشارکت و همکاری اعضا، به تحقق بهتر اهداف جامعه کمک خواهد کرد.

«سعید جمشیدی‌فرد:

میزان اختیارات ارکان جامعه و امکان تغییرات اساسی در این سطح در مقایسه با انتظارات از یک نهاد حرفه‌ای مستقل غیردولتی محدود بوده و در ارزیابی به این نکته مهم باید توجه داشت. در بسیاری از اظهارنظرها نه تنها از سوی برخی اعضا بلکه مراجع بالادستی و سیاستگذار بدون توجه به امکانات و اختیارات جامعه، غیرمنصفانه آن را با تشکل‌های حرفه‌ای کشورهای پیشرفته قیاس می‌کنند. کم‌این‌که در مقدمات و گزارش‌های توجیهی برای «طرح» و «لایحه» موسوم به نهاد ناظر بخشی از چنین فاصله‌ای را ناشی از ناکارآمدی جامعه تلقی می‌کنند. بنابراین، بنده عملکرد جامعه را در مجموع قابل دفاع می‌دانم. با وجودی که در درون جامعه کسری و نقصان‌هایی در فرآیند نظارتی و تنظیم ساختار مدیریتی وجود دارد اما ترجیح می‌دهم به جنبه‌های مثبت قابل توجه عملکرد جامعه اشاره کنم. این که بیش از سی هزار گزارش سالانه صادر می‌شود، این که سال‌هاست در فرآیند مالیات‌ستانی گزارش‌های حساب‌رسی جایگاه ویژه و مبنایی پیدا کرده، این که اعمال نظارت مراجع ناظر بازارهای پول و سرمایه و شاخص‌های بورس بدون وجود گزارش‌های حساب‌رسی بی‌معنا و بلااثر است و در این‌گونه موارد راه برگشت و نادیده گرفتن حرفه ناممکن است، دستاوردهای بزرگی است که کم‌تر توجه می‌شود.

چالش وظایف و اختیارات شورا

۱۵

طبق ماده‌ی (۸) اساسنامه‌ی جامعه، وظایف و اختیارات شورای عالی در ۲۰ ردیف از جمله تعیین خط‌مشی و تصویب برنامه‌ها، انتخاب اعضای هیأت‌مدیره، تعیین اعضای هیأت‌های انتظامی، تأیید صلاحیت اعضای کارگروه‌های تخصصی، تصویب رهنمودها و دستورالعمل‌های فنی و حرفه‌ای، اعمال نظارت حرفه‌ای از طریق کارگروه‌های تخصصی و... تعیین شده است. آیا به نظر شما فهرست وظایف و اختیارات مزبور برای تحقق اهداف راهبردی و عملیاتی جامعه کفایت دارد؟ آیا شما در دوره‌ی



بنا به آنچه در خصوص اختیارات، انتقادات و محدودیت‌های ارکان شورا در مقایسه با یک تشکل حرفه‌ای مستقل دولتی توضیح دادم و همچنین نقایصی که در اساسنامه‌ی جدید برای ایفای نقش سیاست‌گذاری آزادانه وجود دارد، در اجرا با توجه به ویژگی‌هایی که برای عضو شورا برشمردم در دوره‌هایی ناهمگونی ترکیب شورا و یا عدم شناخت و تجربه مناسب از رکن سیاست‌گذاری ایفای مسئولیت را به تعویق انداخته و به تبع آن تنظیم روابط با هیأت‌مدیره را دچار مشکل کرده است. اشتراکات اختیارات در نظارت در درون و عدم درک مراجع بیرونی از وظایف اعضا و جامعه در حیطه‌ی مدیریت و اختیارات اختلال ایجاد می‌کند. همچنین چسبندگی به سوابق و ذهنیت‌های گذشته در روابط بین ارکان و با اعضا و انتظارات نامنتطبق با اختیارات نیز از چالش‌ها و موانع تغییر رویکردهاست. البته این موارد در مجموع بخش کوچکی در مقابل اصلاحات لازم در مقررات است.

بخش عمده‌ای از نیل به اهداف راهبردی و عملیاتی جامعه و تامین انتظارات بجای اعضا اصلاح متناسب مجموعه مقررات بالادستی از جمله ماده واحد و اساسنامه است. بدین منظور همواره طی سال‌های گذشته ناچار به ارزیابی امکان‌پذیری تغییرات در دولت بوده‌ایم که در عمل موفقیت‌آمیز نبوده است. اما ما مکلف به تلاش هستیم و امیدواریم در مواقع مناسب بتوانیم شرایط بهتری را فراهم کنیم.

در همین زمینه لازم می‌دانم به تغییرات اساسنامه‌ی جامعه هم اشاره‌ای بکنم. اساسنامه‌ی جدید آغاز یک شکاف و بی‌اعتمادی بین دولت و جامعه‌ی حسابداران رسمی بود. این اساسنامه در پی سوءجریانات و پرونده‌های فساد مالی خصوصاً در سیستم بانکی در دولت دوم آقای احمدی‌نژاد با نگاه اتهامی به برخی از اعضا و مؤسسات تصویب و ابلاغ شد. جامعه از بابت عدم تقارن اطلاعاتی به واسطه‌ی عدم امکان دسترسی به مقامات ذی‌ربط و اتکای آنان به نقل و نظرات اشخاص دیگر متحمل هزینه‌های زیادی شده است. نمونه‌ی برجسته‌ی این ادعا اساسنامه‌ی مزبور است که برخلاف مقررات اساسنامه‌ی قبلی که می‌بایست اصلاح و تغییرات پس از اخذ پیشنهاد شورای عالی جامعه برای تصویب به دولت داده شود، اصلاحات گسترده‌ای اعمال و لازم الاجرا شد.

پس خود فرآیند تصویب اساسنامه‌ی جدید بی‌اعتمادی نسبت به جامعه و حرفه را افزایش داد و احکامی نامتعارف و ناسازگار با اراده‌ی قانونگذار در ماده واحد از جمله ماده‌ی ۳۷ مکرر، تنزل جایگاه رکن انتخابی شورای عالی و اختیارات آن، توسعه‌ی اختیارات رکن انتصابی، احاله‌ی برخی تصمیمات به مقامات خارج از ارکان و اشکال در روابط شورا و هیأت‌مدیره جایگزین شد. اگر چه در این میان نکات مثبتی هم دیده می‌شود ولیکن عملاً تا کنون فضا و ظرفیت خوشبینانه‌ای برای

طرح پیشنهادهای جامعه برای اصلاح اساسنامه به‌وجود نیامده است.

◀ مصطفی جهانبانی:

اصلاح اساسنامه در شورای دوم جامعه بعد از یک دوره‌ی سه ساله، بر مبنای تفکیک وظایف حاکمیتی بر عهده وزارت امور اقتصاد و دارایی و شورای عالی به‌عنوان عهده‌دار موضوعات مرتبط با اداره امور جامعه انجام گرفت. لکن عملاً بخش عمده‌ای از اجرای مصوبات شورای عالی، مشروط به موافقت وزیر اقتصاد و دارایی گردید که منجر به دخالت بخش حاکمیتی در امور اجرایی و محدود شدن شورای عالی در ایفای مطلوب مسئولیت‌های خود از جمله کسب موافقت وزیر امور اقتصاد و دارایی در تغییر اعضای هیأت‌مدیره و دبیر کل جامعه، شده است.

در زمان تشکیل جامعه در سال ۱۳۸۰، نگاه به نهاد حرفه‌ای، مستقل و غیردولتی توسط سیاستگذاران مثبت، بدون واسطه، بازتر و مبتنی بر یک اراده‌ی عملی به راه‌اندازی بود. از این رو رابطه‌ی نزدیک‌تری با دولت و قانون‌گذار با اوصاف فوق برقرار شد. این فرصت با تغییرات قابل توجه در قوانین و مقررات از جمله حوزه‌های پولی بانکی، تجاری، بورس اوراق بهادار، خصوصی‌سازی، سرمایه‌گذاری خارجی و از این‌ها مهم‌تر در ارتباط با حرفه، قانون مالیات‌های مستقیم و قانون مالیات بر ارزش افزوده که با وجود تحقیق و بررسی‌های مقدماتی زیاد بعدها به تصویب رسید، بود. در این دوره که مصادف با دوره‌ی

اول شورای عالی جامعه است، جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران همواره طرف نظرخواهی قانون و مقررات‌گذاران بود و جامعه و اعضا نیز با علاقه در مشورت و نظردهی حتی رقابت می‌کردند. به عنوان یکی از اعضای هیأت مدیره‌ی جامعه و مسئول کارگروه قوانین و مقررات می‌گویم که این دوره از پربارترین دوران مقررات‌گذاری توأم با همدلی و همکاری بی‌نظیر اعضا بود که علاوه بر تدوین مقررات و اصول و ضوابط حرفه‌ای، خدمت‌رسانی به حاکمیت در قانون و مقررات‌گذاری را تجربه کردیم.

اما از دوره‌های بعد با تغییرات در فضای سیاسی و دیدگاه‌های دولت، کم‌کم آن رابطه‌ی نزدیک با دولت کم‌رنگ‌تر شد، فعالیت کسب‌وکار حسابرسی و رقابت شکل گرفت، محدودیت‌های بین‌المللی و تحریم‌ها بر محیط اقتصادی تأثیر گذاشت و اقتضای چنین شرایطی با تفکر مقررات‌گذاری پیشین و رابطه‌ی مشارکت‌نهادی سازگار نبود و به تدریج آن فضا برای تبادل تجربیات و نظرات بسته‌تر شد و رابطه‌ی نزدیک با جامعه به ارتباط فردی با نهادهای مقررات‌گذار تقلیل یافت. اوج این نامحرمی در دوره‌ی چهارم شورای عالی رخ داد که حتی اصلاح اساسنامه‌ی جامعه بدون نظر شورا به تصویب هیأت دولت رسید و با رویکردی غیرمنصفانه و بعضاً خصمانه، جامعه نه تنها طرف مشورت جدی نبود بلکه باید از استقلال و موجودیت غیردولتی، غیرسیاسی، غیرانتفاعی و فعالیت بخش خصوصی حسابرسی مشروعیت یافته از سوی قانون‌گذار دفاع و از سرمایه‌ی ۱۰ ساله‌ی خود حفاظت می‌کرد. البته به تبع اصلاح اساسنامه در این دوره فعالیت پرکار و مثال‌زدنی برای تدوین مقررات پایین‌دستی اساسنامه صورت گرفت. به نظر من این دوره شورا از بلوغ فکری بالایی برخوردار بود.

در مجموع در این دو دهه با وجود فراز و نشیب‌های زیاد، جامعه در تدوین قوانین و مقررات حوزه‌ی مالی و اقتصادی نقش مؤثری را داشته و با تثبیت نقش و حضور حساب‌رسان در محیط اقتصادی همواره جامعه داوطلب همکاری در تدوین قوانین و مقررات مرتبط بوده است. در تلاش‌ایم با توجه به اهداف و برنامه‌های اقتصادی دولت سیزدهم این ظرفیت جامعه را نیز معرفی کنیم.

◀ رحمت‌اله صادقیان:

باید تأکید کرد که این یکی از اشکالات ناشی از تغییرات در اساسنامه‌ی جامعه است. تغییر در اساسنامه‌ی مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ جامعه یک تصمیم غیرمنطقی و یک گام به عقب برای جامعه و حرفه بود و بیش‌تر یک لجاجت و ابراز قدرت بود تا تغییری متناسب با نیازها و الزامات حرفه‌ای. وقتی از تغییر نام می‌بریم بر این مفهوم تکیه داریم که با توجه به نیاز جامعه و پیشنه‌داران جامعه باید تغییری که که با بهینه‌سازی همراه است صورت پذیرد. لیکن به نظر اینجانب

در این اصلاحات این مهم صورت نگرفته و به همین دلیل تغییر پاره‌ای از مفاد اساسنامه جامعه از ضروریات است. در شورای عالی ششم کارگروهی متشکل از افراد ذی‌صلاح حرفه‌ای و حقوقی تشکیل و اساسنامه به‌طور کامل بررسی و در جلسات شورا نیز مطرح شد. لیکن با توجه به تغییر شورا و وزیر امور اقتصادی و دارایی متوقف شد و امیدواریم همزمان با طرح نهاد ناظر نسبت به اصلاح اساسنامه که منجر به بهبود وضعیت می‌شود اقدام لازم به‌عمل آید.

◀ هوشنگ نادریان:

شورای عالی پس از مجمع عمومی که صرفاً سالانه تشکیل می‌شود بالاترین رکن جامعه‌ی حسابداران رسمی است و موارد ۲۰ گانه احصا شده تقریباً اختیارات لازم در چارچوب اساسنامه را جهت اداره‌ی جامعه به شورای عالی می‌دهد. مشکل اساسی که معمولاً اعضای شورای عالی با آن مواجه بوده‌اند اختیارات عمده سایر نهادها و مراجع ذیربط است که در اساسنامه یا قانون تشکیل جامعه مطرح شده و این امر دامنه‌ی اختیارات خود جامعه و نه فقط شورای عالی را محدود می‌کند. این موارد در طول عمر ۲۰ ساله جامعه نیز روبه‌تزايد بوده به نحوی که در حال حاضر حدود ۴۷ اتصال در قوانین و مقررات جامعه به مراجع دولتی وجود دارد که به نظر بیش از حد متعارف است. ضمن آن که در برخی موارد شکلی است (مثلاً حضور نمایندگان بورس، وزارت اقتصاد و شورای عالی بانک‌ها در جلسات شورای عالی بدون حق رای) که موجب اثر خاصی بر جامعه نشده است. به نظر می‌رسد در بازنگری مقررات جامعه به‌ویژه اساسنامه باید برای این اختیارات متفرق و متعدد فکر کرد و اگر قرار به نظارت دولت و حاکمیت است با چند مورد محتوایی و نه چندین مورد شکلی و کم‌خاصیت، این نظارت اعمال تا اطمینان لازم برای مراجع ذیربط از حسن عملکرد جامعه ایجاد شود.

◀ عباس هشی:

پیش‌بینی این کارگروه‌ها بر اساس منطق بوده و در آینده هم ضروری است و باید افزایش هم پیدا کنند. مهم استفاده از خدمات و گزارش‌های این کارگروه‌ها است، که متأسفانه به آن توجه نمی‌شود. باید ترکیب این کارگروه‌ها متکی به حضور نسل جوان، تجربه‌ی مفید کار حسابرسی و حداقلی از حساب‌رسان پیشکسوت باشد و نظرات آن‌ها را شورای عالی جدی بگیرد. البته نباید با شعار جوان‌گرایی، بیش‌تر پیشکسوتان حرفه را ممنوع‌الحضور در کارگروه ساخت و با کپی‌برداری از مؤسسات خارجی که شرکای آن از بیمه‌ی عمر و پس‌انداز کافی بهره‌مندند طرح‌هایی برای بازنگری اجباری بعد از ۳۰ سال کار را مطرح ساخت. ■